

# تلخیص جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

دکتر حسین میر محمد صادقی

کاری از مجید رحمانی

@voic\_law

به نام او

@Voic\_law

[این تلخیص افراد را از مطالعه کتاب بی نیاز میکند]

## جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

### فصل اول: جرایم علیه امنیت کشور

#### مقدمه:

اصلی درون مرزی بودن یا سرزمینی بودن حقوق جزا در جرایم علیه امنیت رعایت نمیشود (مثل ماده ۵ ق.م.ا. و مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ تعزیرات).

در جرایم علیه امنیت، معمولاً شرایط قانونی تحقق جرم، نسبت به جرایم عادی، کمتر و وقوع آنها آسانتر است؛ برای مثال در جرایم عادی، معمولاً صرف تهیه مقدمات ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات، حتی به عنوان شروع به جرم تلقی نشده است. لکن در جرایم علیه امنیت، مقنن گاهی اعمال مقدماتی را که در راستای ارتکاب جرایم علیه امنیت ارتکاب می یابند به عنوان جرم پیش بینی کرده است (از جمله در مواد ۴۹۸، ۶۱۰ و ۶۱۱ تعزیرات).

در جرایم علیه امنیت، برخی از تخفیف ها و مساعدت هایی که به مجرمان عادی میشود، منع شده است (مثل بند الف ماده ۴۷ ق.م.ا. و مواد ۷۱ و ۱۰۹ همین قانون).

کلیه این جرایم، واجد جنبه عمومی و به موجب ماده واحده «قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه های انقلاب ۱۳۶۲» در دادگاه های انقلاب قابل رسیدگی میباشند.

#### مهمترین جرایم علیه امنیت در حقوق ایران:

۱. محاربه

۲. افساد فی الارض

۳. بغی

۴. تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت کشور

۵. تبلیغ علیه نظام ایران یا به نفع گروه های مخالف نظام ایران

۶. جاسوسی و جرایم وابسته به آن

۷. تحریک (مردم یا نیروهای رزمنده علیه نظام)

۸. تهدید به بمب گذاری وسایل نقلیه

۹. همکاری با دول خارجی متخاصم

## ۱. محاربه:

طبق ماده ۲۷۹ ق.م.ا. محاربه عبارت از «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است به نحوی که موجب نا امنی در محیط گردد ...».

بدین ترتیب، علاوه بر وجود سوءنیت عام، یعنی **عمد در کشیدن سلاح**، سوءنیت خاص، یعنی **قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم**، برای تحقق این جرم ضرورت دارد. البته نباید فراموش کرد که «**قصد غیر مستقیم**» هم کفایت میکند. بنابراین هرگاه قصد و نیت اولیه کسی از کشیدن سلاح عبارت از ربودن هواپیما یا مال دیگری باشد، همینکه میدانند این کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد در واقع میتوان گفت که قصد غیر مستقیم سلب امنیت را دارد و در نتیجه، محارب محسوب خواهد شد. از همین رو ماده ۲۸۱ ق.م.ا. راهزنان، سارقان و قاچاقچیان را که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه ها شوند محارب دانسته است.

نکته: استفاده از واژه «مردم» در ماده ۲۷۹ ق.م.ا. دلالت بر آن دارد که برای صدق عنوان محاربه باید نوعی عمومیت در جرم وجود داشته باشد. این عمومیت از نظر قصد و نیت مرتکب است؛ یعنی مهم این است که مرتکب قصد عمومیت کند هرچند در عمل تحقق پیدا نکند لذا اگر در این صورت یک نفر هم بترسد کافی است.

محاربه یک جرم مقید است؛ زیرا کسی که سلاح بیرون بکشد ولی در عمل موجب ترس و سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمیشود (۲۷۹).

## معنی سلاح:

در این مورد باید به تبصره الحاقی به بند ۳ ماده ۶۵۱ تعزیرات رجوع کرد.

مهمترین ضابطه در تعریف و تشخیص سلاح این است که منظور از سلاح آن چیزی است که براع نزاع و جنگیدن ساخته شده است یا به کار میرود و معنی آن از نظر زمان و مکان، متغیر است. در ضمن، منظور از سلاح، سلاح **واقعی** ولو به صورت خالی یا خراب است و شامل سلاح قلبی نمیشود.

(اعمالی همچون اسیدپاشی و آتش زدن، ظاهرا از شمول عنوان اسلحه و در نتیجه، محاربه خارج میگردند.)

## راهزنی و سرقت مسلحانه:

براساس ماده ۲۸۱ ق.م.ا. «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه ها شوند، محاربند.»

شبهه جرم موضوع این ماده، در ماده ۶۵۳ تعزیرات پیش بینی شده است که اشعار میدارد: «هرکس در راه ها و شوارع به نحوی از انحا مرتکب راهزنی شود، در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد، به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم میشود.»

تفاوتهای جرم موضوع ماده ۲۸۱ ق.م.ا. و ماده ۶۵۳ تعزیرات عبارتند از:

۱. در ماده ۶۵۳ تعزیرات برخلاف ماده ۲۸۱ ق.م.ا. دست به اسلحه بردن ضرورتی ندارد.

۲. مکان ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۵۳ تعزیرات، **راه ها و شوارع** است (چه داخل شهر چه خارج آن) لکن جرم موضوع ماده ۲۸۱ ق.م.ا. در سایر جاها (مثلا داخل مدرسه بعثت) نیز قابل ارتکاب است.

۳. برای تحقق جرم موضوع ماده ۶۵۳ تعزیرات **باید راهزنی ارتکاب یابد**، در حالیکه در جرم موضوع ماده ۲۸۱ ق.م.ا. آنچه که در عمل برای تحقق جرم موضوع ماده باید رخ دهد، **برهم خوردن امنیت مردم یا راه ها میباشد** چه راهزنی رخ دهد چه نه.

#### مقابله با محاربان:

ماده ۲۸۰ ق.م.ا.

سوال: آیا منظور از عبارت «محارب نیست» در ماده مذکور آن است که فرد اساسا مجرم نیست یا اینکه مجرم هست ولی محارب محسوب نمیشود؟ هرگاه شرایط دفاع مشروع فراهم باشد آن افراد که با محاربان مقابله میکنند اصلا مجرم نیستند لکن هرگاه این افراد بدون رعایت شرایط دفاع مشروع، با اسلحه با آنان درگیر شوند، آن گاه نمیتوانند از مسئولیت کیفری به استناد دفاع مشروع بگریزند اما حتی در این صورت هم به دلیل فقدان سوءنیت خاص (یعنی قصد سلب امنیت عمومی و ارباب) آنان محارب محسوب نمیشوند.

#### مجازات محاربه:

ماده ۲۸۲ ق.م.ا.

حد محاربه یکی از موارد زیر است:

۱. اعدام

۲. صلب (صلیب)

۳. قطع دست راست و پای چپ

۴. نفی بلد

نکته: نفی بلد با تبعید یکی نیست.

علاوه بر مجازات مذکور به عنوان مجازات اصلی، مرتکب مشمول بند الف یا ب ماده ۲۵ ق.م.ا. به عنوان مجازات تبعی میشود. همچنین دادگاه میتواند مرتکب را بر اساس ماده ۲۳ (مجازات تکمیلی) و ۳۶ ق.م.ا. مجازات کند.

#### اثبات محاربه:

محاربه با یکی از موارد زیر اثبات میشود:

\* یک مرتبه اقرار

\* شهادت ۲ مرد عادل

\* علم قاضی

نکته: حتی اگر علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، آن ادله برای قاضی معتبر نیست (ماده ۲۱۲).

### توبه محاربه:

طبق تبصره یک ماده ۱۱۴ ق.م.ا. «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.»

### شروع به محاربه و معاونت در آن:

طبق بند الف و ب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. شروع به جرم در محاربه جرم انگاری شده است و مجازات دارد.

سوال: از آنجایی که مجازاتهای چهارگانه محاربه هم مشمول بند الف و هم مشمول بند ب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. میشود، برای تعیین مجازات شروع به محاربه باید چه کرد؟ پاسخ به آن مشکل است مگر اینکه بگوییم طبق تبصره ماده ۱۹ ق.م.ا. باید در مورد شروع به جرم بند الف ماده ۱۲۲ ق.م.ا. و در مورد معاونت بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا. را اجرا کنیم که البته این هم یک اشکال بزرگ دارد و آن اینکه چه بسا مجازات شروع به محاربه یا معاونت در محاربه از مجازات جرم تام آن بیشتر شود!

### ۲. افساد فی الارض:

مقنن در قانون مجازات جدید صراحتاً جرم افساد فی الارض را از محاربه تفکیک کرده و ماده ۲۸۶ ق.م.ا. و تبصره آن را به جرم افساد فی الارض تخصیص و مجازات اعدام را برای مرتکبان این جرم تعیین کرده است.

دامنه جرم افساد فی الارض بسیار گسترده است و متأسفانه بسیاری از مجرمان را به شرط گستردگی عملشان میتوان تحت شمول ماده ۲۸۶ ق.م.ا. قرار داد.

در مورد گستردگی جرم، ظاهر ماده ۲۸۶ ق.م.ا. نشان میدهد که در آن تنها ضابطه عینی ملاک قرار گرفته است؛ یعنی گستردگی اعمال و ایجاد اخلاص شدید باید به صورت عینی و خارجی محقق شود. لکن تبصره این ماده نشان میدهد که علاوه بر ضابطه عینی، ضابطه شخصی یا ذهنی (یعنی قصد اخلاص گسترده یا قصد فساد گسترده) نیز برای مفسد فی الارض محسوب شدن مرتکب ضروری است (باید هم به صورت عینی و در عمل این گستردگی باشد و هم در قصد مرتکب).

### ۳. بغی:

ماده ۲۸۷ ق.م.ا.

محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است.

چند نکته:

۱. در ماده ۲۸۷ ق.م.ا. به «گروه» اشاره شده است و با اینکه تصریحی نشده لکن به نظر میرسد تعداد افراد حداقل باید ۳ نفر باشد.

۲. منظور از قیام مسلحانه، دست به اسلحه بردن عملی است و شامل صرف اعلام مسلحانه بودن قیام نیست.

۳. برای صدق مسلحانه بودن قیام، استفاده یک نفر از اعضای گروه از اسلحه کفایت میکند.

(بین دست به سلاح بردن و استفاده از آن ملازمه وجود ندارد و دست بردن به اسلحه اعم از استفاده از آن است. در ما نحن فیه، دست بردن به سلاح کافی است و لزومی ندارد که حتما از آن استفاده هم بشود).

ماده ۲۲ «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲» جرمی شبیه به بغی را برای نظامیان پیش بینی شده است.

دو نکته در مورد ماده ۲۲ این قانون قابل ذکر است:

۱. عبارت «اقدام مسلحانه» در این ماده گسترده تر از عبارت «قیام مسلحانه» در ماده ۲۸۷ ق.م.ا. است و شامل هر اقدام مسلحانه ای میشود هرچند گروهی نباشد و فاقد تشکیلات باشد.

۲. ماده ۲۸۷ ق.م.ا. جرم ارتكابی را بغی و ماده ۲۲ ق.م.ج.ن.م. آن را محاربه دانسته است (دلایلش این است که ماده ۲۲ ق.م.ج.ن.م. مربوط به زمانی است که مقنن بین دو مفهوم بغی و محاربه تفاوتی قائل نبوده است).

بغی جرمی سنگین تر از محاربه است و مجازاتش همواره اعدام است.

۴. تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور:

مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ تعزیرات.

آن دسته یا جمعیت باید حد اقل ۳ نفر باشند.

جنسیت، شغل، سمت و ملیت مرتکبان این جرم از اهمیت برخوردار نمیباشد و هرکس میتواند مرتکب جرم موضوع این ماده و بسیاری دیگر از جرایم مذکور در فصل اول قانون تعزیرات (یعنی جرایم علیه امنیت) شود.

هدف مرتکبان از تشکیل و اداره جمعیت باید قصد برهم زدن امنیت کشور باشد.

چند نکته:

۱. نکته: هرگاه کسی دسته یا جمعیت واحدی را تاسیس کرده و خودش هم آن را اداره کند، ظاهراً نمیتوان او را به تحمل دو مجازات محکوم کرد.

۲. ماده ۴۹۹ تعزیرات در مورد کسانی که عضو نبوده بلکه صرفاً حامی یا تبلیغ کننده جمعیت یا دسته میباشند، قابل اعمال نیست.

۳. منظور از دسته یا جمعیت، گروه هایی هستند که دارای نوعی دوام و پایایی میباشند و لذا نمیتوان مثلاً تشکیل دهنده یا شرکت کننده در یک کنفرانس دو روزه را حتی اگر به قصد برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده باشد، مشمول مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ تعزیرات دانست.

۴. هرگاه کسی در بیش از یک دسته یا جمعیت مذکور در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ تعزیرات عضویت داشته باشد یا آنها را تاسیس یا اداره نموده باشد، از موارد **تعدد** است و از علل تشدید کیفر میباشند.

جرم موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ تعزیرات یک جرم مطلق است.

(در مورد تشکیل یا اداره جمعیت توسط نظامیان، در صورتی که به منظور بر اندازی نظام یا برهم زدن امنیت کشور باشد، مواد ۱۷ و ۱۹ ق.م.ج.ن.م. ۱۳۸۲ حکم خاصی را پیش بینی کرده است.)

#### ۵. تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه های مخالف نظام:

ماده ۵۰۰ تعزیرات.

استفاده از واژه «فعالیت تبلیغی» به جای واژه «تبلیغ» در ماده، نشانگر ضرورت وجود نوعی تکرار و استمرار در تبلیغات است.

این ماده تنها در مورد کسی اعمال میشود که **مباشرت** در فعالیت تبلیغی داشته باشد و کسی که مثلاً برای این کار، دیگری را تشویق یا مساعدت میکند مشمول مجازات این ماده نیست بلکه معاون محسوب شده و بر اساس ماده ۱۲۷ ق.م.ا. مجازاتش مشخص میگردد.

جرم موضوع ماده ۵۰۰ تعزیرات را میتوان نمونه بارزی از جرایم سیاسی دانست.

(اصل ۱۶۸ ق.ا. پس از بیان اینکه رسیدگی به جرایم سیاسی باید با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت گیرد، تعریف جرم سیاسی را، بر اساس موازین اسلامی، بر عهده قانون عادی گذاشته است لکن تا کنون هیچ قانونی به تعریف جرم سیاسی نپرداخته است. البته وزارت دادگستری و کمیسیون حقوق بشر اسلامی هر یک تعریفی جداگانه از جرم سیاسی بیان داشته اند اما هیچکدام از سوی مجلس تصویب نشده است.)

#### ۶. جاسوسی و جرایم وابسته به آن:

مقدمه:

یکی از مصادیق بارز و قدیمی جرایم علیه امنیت، جرم جاسوسی است که معمولاً یک جرم سازمان یافته و در عین حال فراملی میباشد.

با توجه به ماهیت فراملی جرم جاسوسی، برخی از معاهدات و کنوانسیونها در سطح بین المللی به این جرم، به ویژه وقتی در زمان جنگ ارتکاب می یابد، پرداخته اند.

شیوه کشورها در برخورد با جاسوسی با یکدیگر متفاوت است. گاه جاسوس به دلیل برخورداری از مصونیت دیپلماتیک، عنصر نامطلوب اعلام و اخراج میشود. گاهی وی دستگیر و بلافاصله محاکمه و مجازات میشود و گاهی نیز با دادن اطلاعات غلط به او سعی در گمراه کردن کشور مورد نظر میشود. برخی از کشورها نیز سعی میکنند جاسوس را به جای مجازات کردن به یک جاسوس دو جانبه تبدیل نمایند و از او بخواهند که به آنها اطلاعات بدهد.

بررسی جرم جاسوسی و جرایم وابسته به آن در مواد مختلف قانون تعزیرات:

#### \*مطلع کردن اشخاص فاقد صلاحیت از اسرار:

ماده ۵۰۱ تعزیرات.

عنصر مادی جرم، ارائه نقشه ها، اسرار، اسناد یا تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی به افراد فاقد صلاحیت است.

(افشای یک تصمیم اقتصادی یا نظامی یا قضایی یا کشاورزی مهم محرمانه نیز میتواند مشمول ماده قرار گیرد.)



دادن اسناد میتواند حتی به طور غیر مستقیم صورت گیرد.

وجود دو قید «عامدا» و «عالما» بیانگر این است که اولاً فرد باید در کار خود، عمد داشته باشد و ثانیاً به محرمانه بودن اسناد و فاقد صلاحیت بودن طرف مقابل علم داشته باشد. بدین ترتیب، کسی که صرفاً از روی سهل انگاری و بی توجهی اسرار دولتی را در اختیار افراد فاقد صلاحیت قرار میدهد، مشمول این ماده قرار نمیگیرد.

سوال: آیا اشاره ماده به اینکه اطلاعات به «افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند» داده شود به معنی آن است که خود فرد اطلاعات دهنده لزوماً صالح بر دسترسی به این اسناد بوده است، یا اینکه لزوماً اینگونه نیست؟

با توجه به اطلاق ماده و به کار رفتن واژه «هرکس» در ابتدای آن باید گفت که شامل هرکسی حتی کسی که خودش این اطلاعات را به صورت غیر مجاز به دست آورده و به دیگری انتقال میدهد هم میشود (البته غیر از نظامیان که حکم خاص خود را دارند).  
جا داشت در این ماده برای گیرنده چنین اطلاعاتی نیز مجازاتهایی تعیین میشد.

شبهه این جرم در ماده ۲۶ ق.م.ج.ن.م. پیش بینی شده است.

(تقسیم بندی اسناد به چهار طبقه:

۱. به کلی سری: اسنادی که افشای آنها اساس و مبانی حکومت را دچار ضرر شدید میکند.

۲. سری: اسنادی که افشای آنها منافع عمومی و امنیت ملی را دچار مخاطره میکند.

۳. خیلی محرمانه: اسنادی که افشای آنها سازمانها را دچار مشکل میکند و اجرای وظایف اساسی آنها را غیر ممکن میکند.

۴. محرمانه: اسنادی که افشای آنها موجب اختلال امور داخلی سازمان میشود.)

**\*ورود به اماکن ممنوعه جهت کسب اطلاعات / عکس برداری غیر مجاز:**

ماده ۵۰۳ تعزیرات.

عنصر مادی جرم مذکور در قسمت اول ماده، «ورود به مواضع مربوطه» میباشد.

سوءنیت عام در این جرم، عمد در ورود و سوءنیت خاص، قصد سرقت یا نقشه برداری از اطلاعات و اسرار سیاسی یا امنیتی میباشد.

به نظر نگارنده برای تحقق عنصر مادی جرم قسمت اول ماده (ورود با اماکن ممنوعه) باید حتماً ورود شخص به مواضع مربوطه به صورت **غیر مجاز** انجام گیرد.

نکته: فرد باید قصد سرقت یا نقشه برداری از چیزهایی را داشته باشد که جنبه **محرمانه** دارند و جزو اسرار سیاسی، نظامی یا امنیتی محسوب میشوند و الا مرتکب ورود غیر مجاز به مناطق ممنوعه به قصد سرقت مثلاً میز و صندلی یا وجوه نقدی را باید به موجب مقررات راجع به سرقت مورد تعقیب قرار داد.

قسمت دوم ماده، جرم نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه را پیش بینی کرده است که به جز «عمد در نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری» نیازمند **سوءنیت خاص** نمیباشد. بنابراین، تفاوتی نمیکند که مرتکب، این کارها را به قصد اخلال در امنیت یا دادن اطلاعات به دشمن انجام دهد و یا صرفاً از روی کنجکاوی به انجام آنها مبادرت ورزد. همینطور برای انجام این کارها «ورود» به مواضع مربوطه ضرورتی ندارد.

با توجه به ظاهر ماده، برخی به غلط تصور کرده اند که مجازات مذکور در ماده تنها در مورد کسانی قابل اعمال است که «در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند» و الا اگر کسی این کارها را به پایان رسانیده و بعداً دستگیر شود، بر اساس این ماده قابل مجازات نمیباشد. لکن این تصور نادرست است و در صورت به پایان رسانیدن نقشه یا فیلمبرداری هم مشمول هستند.

بندهای د و ه ماده ۲۴ ق.م.ج.ن.م. جرایمی مشابه جرم مذکور در صدر ماده ۵۰۳ تعزیرات را پیش بینی کرده اند.

### \*جمع آوری اطلاعات:

ماده ۵۰۵ تعزیرات.

عنصر مادی جرم مذکور، جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده (اعم از محرمانه، خیلی محرمانه، سری یا به کلی سری) میباشد.

عنصر روانی این جرم، علاوه بر عمد در جمع آوری اطلاعات (سوءنیت عام)، نیاز به قصد خاص برهم زدن امنیت کشور (سوءنیت خاص) دارد.

واژه «دیگران» عام میباشد و محدود به دشمن یا دولتهای خارجی یا سازمانها و گروه های مخالف نظام نمیگردد بلکه شامل هر فرد فاقد صلاحیتی میشود.

بندهای الف و ب ماده ۲۴ ق.م.ج.ن.م. جرایم مشابهی را در مورد نظامیان پیش بینی کرده است.

### \*بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده:

ماده ۵۰۶ تعزیرات.

این جرم از مصادیق جاسوسی نیست؛ زیرا جاسوسی از زمره جرایم عمدی است در حالیکه جرم در ماده ۵۰۶ تعزیرات عمدی نبوده و در اثر بی مبالاتی و غفلت شخص، صورت میگیرد.

برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۰۶ تعزیرات شرایط زیر لازم است:

۱. ارتکاب این جرم تنها توسط **مامورین** دولتی پیش بینی شده است.

۲. مامورین مشمول این ماده باید **مسئول** امور حفاظتی و طبقه بندی شده باشند.

۳. باید از قبل به مامور دولتی مزبور **آموزش** لازم داده شده باشد.

۴. مامور دولتی در اثر **بی مبالاتی** این کار را کرده باشد.

(احراز بی‌مبالاتی، ضروری است؛ بنابراین ماموری که تحت تاثیر شکنجه یا هیپنوتیزم یا مستی اجباری و یا در حال خواب اطلاعات خود را بروز میدهد مشمول ماده نمیشود مگر آنکه نفسِ قرار گرفتن در این حالت ناشی از بی‌مبالاتی باشد).

۵. مامور دولتی باید توسط **دشمنان تخلیه اطلاعاتی** شود.

(صرفِ دادن اطلاعات به دیگران یا به افراد فاقد صلاحیت کفایت نمیکند. همچنین شاید نتوان صرفِ اینکه مامور دولتی اسناد حاوی اطلاعات را در جای نامناسبی بگذارد و آن اسناد توسط دشمنان دزدیده شود را «تخلیه اطلاعاتی» دانست.)

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ در مورد نظامیان نیز افشای اطلاعات و تخلیه اطلاعاتی بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی را طی مواد ۲۷ و ۲۸ پیش‌بینی کرده است.

### \***اخفای جاسوسان یا معرفی جاسوس به کشورهای بیگانه:**

ماده ۵۱۰ تعزیرات.

این جرم فی‌نفسه جاسوسی نیست لکن از جرایم مرتبط با جاسوسی است.

عنصر مادی جرم مذکور، مخفی کردن یا سبب اخفای جاسوسان شدن است.

برخی از نویسندگان معتقدند اگر جاسوس تحت تعقیب نباشد و کسی او را به خانه یا محل دیگری راه بدهد، مشمول این ماده نیست لکن نگارنده معتقد است این نظر اشتباه است و این مورد هم مشمول ماده میشود و تحت تعقیب بودن جاسوس موضوعیت ندارد.

به نظر میرسد که تقدم یا تأخر زمانی «اخفا» نسبت به «وارد کردن لطمه» از اهمیت برخوردار نیست.

عنصر روانی جرم، متشکل از سوءنیت عام (یعنی عمد در مخفی کردن یا سبب اخفا شدن) و سوءنیت خاص (یعنی قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن) میباشد.

با توجه به ظاهر ماده ۵۱۰ تعزیرات، به نظر میرسد افرادی که مورد اخفا واقع میشوند باید از طرف دشمن مأموریت داشته باشند و الا فردی که سر خود و بدون هیچ مأموریتی از سوی دشمن، قصد انجام این گونه کارها را دارد، تحت شمول ماده قرار نمیگیرد و در نتیجه مخفی کننده نیز بر اساس ماده ۵۱۰ تعزیرات قابل تعقیب نخواهد بود.

سوال: آیا مخفی کننده جاسوس را میتوان به عنوان معاون در هر جرمی که شخص جاسوس، مرتکب آن میشود تحت تعقیب قرار داد؟ با تحقق سه شرط ممکن است او را معاون دانست و الا معاون نیست:

۱. جرایم ارتكابی **بعد از** اخفا باشد نه قبل از آن

۲. اخفای آن شخص نوعی ترغیب و مساعدت و تسهیل در ارتكاب جرم جاسوسی محسوب شود

۳. عنصر روانی معاونت هم موجود باشد (نوعی وحدت قصد بین معاون و مباشر)

(تبصره ۲ ماده ۲۴ ق.م.ج.ن.م. جرمی شبیه جرم مذکور در ماده ۵۱۰ تعزیرات پیش‌بینی کرده است.)

تبصره ماده ۵۱۰ تعزیرات برای کسی که بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید، مجازات تعیین کرده است.

برای تحقق جرم موضوع این تبصره باید دو امر موجود باشد:

۱. وجود جاسوسان برای جاسوسی علیه امنیت کشور

۲. حتما باید شناسایی و جذب جاسوسان به مرحله **معرفی** آنها به کشور بیگانه منتهی شود (لکن قبول کشور بیگانه و استفاده از او جهت جاسوسی در عمل ضروری نیست)

بند ج ماده ۲۱ ق.م.ج.ن.م. جرمی را در مورد نظامیان پیش بینی کرده است که بی شباهت با جرم موضوع تبصره ماده ۵۱۰ تعزیرات نیست.

**\* جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر:**

ماده ۵۰۲ تعزیرات.

برای تحقق این جرم نیاز به دو شرط وجود دارد:

۱. در صورتی که این جاسوسی به امنیت ملی کشور لطمه بزند

۲. این جاسوسی باید در خاک ایران انجام شود

نکته: اشاره ماده به واژه های «ضرر» و «نفع» به معنی آن نیست که حتما در عالم خارج ضرر و نفع خاصی برای دو کشور دخیل حاصل شده باشد بلکه همینکه جاسوسی علیه یک کشور و له کشور دیگر باشد کفایت میکند.

**\* جاسوسی رایانه ای و جرایم مرتبط با آن:**

فصل اول قانون جرایم رایانه ای مربوط میشود به «**جرایم علیه محرمانگی داده ها**» و ذیل آن سه عنوان مجرمانه مطرح شده است که عبارتند از:

۱. دسترسی غیر مجاز (ماده ۱ قانون جرایم رایانه ای معادل ماده ۷۲۹ تعزیرات)

۲. شنود غیر مجاز (ماده ۲ قانون جرایم رایانه ای معادل ماده ۷۳۰ تعزیرات)

۳. جاسوسی رایانه ای (ماده ۳ قانون جرایم رایانه ای معادل ماده ۷۳۱ تعزیرات)

**۷. تحریک:**

تحریک، چه در مورد نظامیان و اعضای نیروهای مسلح و چه در مورد مردم عادی میتواند به عنوان یک جرم علیه امنیت شناخته شود.

**تحریک نیروهای رزمنده:**

ماده ۵۰۴ تعزیرات.

به نظر نگارنده حتی تحریک کارگران یک شرکت ساختمانی که در جبهه مشغول ساختن پل یا سنگر میباشند، یا آشپزی که طبق قرارداد منعقد به همراه کارگران خود وظیفه تجهیز آشپزخانه جبهه را بر عهده دارد، میتواند مشمول ماده قرار گیرد.

عنصر مادی جرم مذکور «تحریک مؤثر» میباشد. تحریکی مشمول ماده قرار میگیرد که بنا به قضاوت عرف، مهم بوده و بتواند بر روی افراد معمولی و متعارف در آن شرایط و اوضاع اثرگذار باشد و فقدان این شرط باعث عدم تحقق جرم میگردد.

اگر آن تحریک مؤثر همراه با سوءنیت خاص (قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی) باشد، مرتکب، محارب محسوب میشود و الا محارب نیست و مجازاتش کمتر است.

در حقیقت ماده ۵۰۴ تعزیرات بیانگر سه حالت میباشد:

اول، تحریک مؤثر به قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در هر حال و بدون توجه به نتیجه حاصله مجازات **محاربه** را در پی دارد (جرم مطلق).

دوم، تحریک مؤثر بدون قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در صورت مؤثر واقع شدن در عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف، موجب حبس از ۲ تا ۱۰ سال میشود (جرم مقید).

سوم، تحریک مؤثر بدون قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در صورت مؤثر واقع نشدن در عیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف، موجب حبس از ۶ ماه تا ۳ سال میشود (جرم مطلق).

شبهه ماده ۵۰۴ تعزیرات در ماده ۲۳ ق.م.ج.ن.م. پیش بینی شده است.

#### تحریک مردم:

ماده ۵۱۲ تعزیرات.

تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر از مصادیق بارز جرایم علیه امنیت داخلی کشور میباشد.

سوءنیت عام این جرم، عمد و علم در اغوا و تحریک مردم و سوءنیت خاص این جرم، قصد برهم زدن امنیت میباشد.

این جرم یک جرم مطلق است لکن در صورت تحقق نتیجه (برهم خوردن امنیت و جنگ و کشتار) میتوان عمل فرد تحریک کننده را در صورت وجود سایر شرایط، معاونت در جرم ارتكابی دانسته و با استفاده از مقررات راجع به تعدد معنوی (ماده ۱۳۱ ق.م.ا.) مجازات اشد را بر مرتکب بار کرد.

واژه ها و عباراتی که در ماده ۵۱۲ تعزیرات مورد استفاده قرار گرفته اند نشانگر نوعی عمومیت در این جرم میباشد.

#### ۸. تهدید به بمب گذاری وسایل نقلیه:

ماده ۵۱۱ تعزیرات.

عنصر مادی این جرم، تهدید یا ادعا نسبت به بمب گذاری در وسایل نقلیه (عمومی) و عنصر روانی آن علاوه بر سوءنیت عام (یعنی عمد در تهدید یا ادعا) عبارت از سوءنیت خاص (یعنی قصد برهم زدن امنیت کشور و یا تشویش اذهان عمومی) میباشد.

ماده ۵۱۱ تعزیرات نسبت به اینکه برای شمول جرم باید تهدید یا ادعا به چه کسی و چگونه مطرح شود، ساکت است. اما علی‌رغم سکوت ماده میتوان استنباط کرد که تهدید یا ادعا باید با کسی مطرح شود که با طرح آن به وی، احتمال تحقق «قصد برهم زدن امنیت کشور» وجود داشته باشد.

نکته: دقت شود که در این ماده فقط تهدید یا ادعای بمب گذاری جرم انگاری شده است. همچنین این تهدید یا ادعا باید در یکی از وسائط سه گانه هواپیما، کشتی و یا وسایل نقلیه عمومی باشد.

منظور از «عمومی» وجود مالکیت دولتی بر آنها نیست، بلکه منظور استفاده عموم از آنها میباشد (مثل یک ماشین جرثقیل).

(هواپیما و کشتی بخاطر اهمیتی که دارند حتی در صورت خصوصی بودن و مورد استفاده شخصی واقع شدن هم تحت شمول ماده قرار میگیرند.)

## ۹. همکاری با دول خارجی متخاصم:

ماده ۵۰۸ تعزیرات.

هرگاه نوع همکاری با دولت خارجی، تحت هیچ یک از عناوین خاص مذکور در سایر مواد (مثلا جاسوسی، مخفی کردن جاسوسان، معرفی جاسوس یا تحریک نیروهای رزمنده پیرو تباری با دولت خارجی متخاصم و ...) قرار نگیرد، مرتکب را میتوان بر اساس این ماده مجازات نمود.

نکته: برای شمول ماده ۵۰۸ تعزیرات باید طرف همکاری، **دولت** باشد لکن به رسمیت شناخته شدن آن دولت از سوی دولت ایران شرط نیست.

## تشدید و تخفیف مجازات در جرایم علیه امنیت کشور:

### الف. تشدید مجازات:

ماده ۵۰۹ تعزیرات.

منظور از «مجازات اشد» در این ماده، حداکثر مجازات پیش بینی شده در قانون برای آن جرم میباشد.

اینکه آیا جنگ داخلی نیز تحت شمول ماده قرار میگیرد یا خیر، مورد تردید است. لکن با توجه به لزوم تفسیر به نفع متهم و بسنده کردن به قدر متیقن الفاظ، باید محدود به موارد وجود یک جنگ بین المللی بین ایران و یک یا چند کشور خارجی نمود.

نکته: الزام دادگاه طبق ماده ۵۰۹ تعزیرات به اعمال حداکثر مجازات در صورت ارتکاب جرم علیه امنیت در زمان جنگ، مانع اعمال کیفیات مخففه (اگر وجود داشته باشد) نمیشود (ارتکاب عمل مجرمانه ممکن است واجد کیفیات مشدده جرم و مخففه آن، باشد).

### ب. تخفیف یا معافیت از مجازات:

ماده ۵۰۷ و تبصره ماده ۵۱۲ تعزیرات.

مقنن بین دو مرحله قبل و بعد از تعقیب، تفاوت قائل شده است لکن تفاوت ماهوی چندانی بین این دو مرحله در ماده پیش بینی نشده است.

سوال: منظور از «شروع به تعقیب» چیست؟ آیا صدور کیفرخواست است یا سایر اقدامات؟ روشن نیست.

منظور از همکاری موثر همکاری است که در عمل باعث کشف قضیه یا شناسایی، تعقیب و دستگیری سایر مرتکبین و یا لا اقل جلوگیری از ادامه عملیات آنان گردد.

معافیت مذکور در ماده ۵۰۷ تعزیرات با تحقق شرایط، حتمی است و دادگاه مکلف به اعمال آن است.

این معافیت با دو محدودیت مواجه است:

**اول**، استفاده فرد از معافیت منوط به نداشتن هیچ ریاست یا مرکزیتی در تشکیلات میباشد (منظور از مرکزیت در گروه یعنی داشتن نقش مهم در آن).

حتی داشتن ریاست در زمانهای قبل نیز میتواند این مانع را ایجاد کند.

**دوم**، همکاری افراد تنها باعث معافیت از مجازات عضویت در تشکیلات و مسئولیتی است که بابت این عضویت بر دوش دارند، نه مسئولیت جرایمی که خود آنها شخصا مرتکب شده اند همچنان بر عهده آنان خواهد بود (البته چه بسا بتواند به دلیل همین همکاری به استناد ماده ۳۷ ق.م.ا. و مخصوصا بندهای ب و ت آن، مشمول تخفیف واقع گردد).

\*تبصره ماده ۵۱۲ تعزیرات:

اشکال شکلی تبصره مذکور این است که بهتر بود در قالب یک ماده جداگانه نوشته شود نه یک تبصره.

اشکال ماهوی این تبصره این است که اولاً ماده ۵۰۹ تعزیرات جرم خاصی را پیش بینی نکرده بلکه فقط در مورد تشدید مجازات برای کلیه جرایم علیه امنیت است. ثانیاً معلوم نیست که چرا مواد ۵۰۸ و ۵۱۲ تعزیرات مشمول تخفیف قرار میگیرند لکن مواد ۵۱۰ یا ۵۱۱ تعزیرات مشمول آن نمیشوند.

(بر فرض قبول تبصره به همین شکل باید اینگونه آن را تفسیر کرد که هرگاه یکی از جرایم مذکور در مواد ۵۰۸ و ۵۱۲ تعزیرات ارتکاب یافته باشد، مرتکب در صورتی که قبل از دستیابی نظام توبه کند به طور کلی از مجازات معاف خواهد شد لکن در صورت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور در سایر مواد فصل اول کتاب پنجم قانون، توبه مرتکب تاثیری نخواهد داشت مگر آنکه وی جرم را در زمان جنگ انجام داده باشد که در اینصورت، توبه فقط باعث برداشته شدن تشدید مذکور در ماده ۵۰۹ تعزیرات خواهد بود و در نتیجه مرتکب، مشمول ماده مربوطه بدون مشمول تشدید خواهد شد.)

در هر صورت توبه باید قبل از دستیابی نظام صورت گیرد تا موثر باشد و دستیابی یک مرحله قبل از دستگیری است.

احراز توبه با قاضی است و تفاوت نمیکند که ابراز توبه نزد قاضی باشد یا نباشد (نظریه مشورتی شماره ۷/۳۶۱۱ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۶).

ماده ۱۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ در مورد توبه و معافیت از مجازات است که البته شمول آن محدود به ماده ۱۷ همان قانون میباشد.

سایر جرایم علیه امنیت کشور:

این جرایم عبارتند از:

۱. سوءقصد به جان مقامات سیاسی

۲. توهین

۳. تخریب

۴. تباخی

۵. اشاعه اکاذیب

۶. تظاهر، قدرت نمایی، هیاهو و جنجال

۷. اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمروی حاکمیت ایران

۱. سوءقصد به جان مقامات:

الف. سوءقصد به جان مقامات سیاسی یا مذهبی داخلی:

ماده ۵۱۵ تعزیرات.

بر اساس ماده مذکور، سوءقصد به مقامات ذیل جرم انگاری شده است:

\* رهبر

\* هریک از رؤسای قوای سه گانه

\* مراجع بزرگ تقلید

(منظور رؤسای فعلی قوای سه گانه است (متلبس بالمبدأ) و من انقضا عنه را شامل نمیشود.)

عنصر مادی این جرم عبارت از «سوءقصد» است. البته این سوءقصد باید به مرحله عمل برسد و صرف نیت و قصد سوء، کافی نیست.

در واقع این جرم، همان شروع به جرم قتل است منتهی نسبت به یک سری افراد خاص.

نکته: بنا به تصریح ماده، سوءقصد باید علیه **جان** مقامات مذکور در ماده صورت گیرد و هرگاه کسی قصد ضرب و شتم یا مجروح کردن آنان را داشته باشد مشمول ماده ۵۱۵ تعزیرات نمیشود.



اشاره ماده به اینکه در صورت عدم صدق عنوان محاربه، مجازات مرتکب از ۳ تا ۱۰ سال حبس خواهد بود، این سوال را به ذهن می آورد که در چه صورتی میتوان مرتکب را به دلیل سوءقصد انجام شده، محارب دانست؟ شاید بتوان اظهار داشت که هرگاه «نیت فساد و مقابله با حکومت» به عنوان سوءنیت خاص، احراز گردد، مرتکب را میتوان در حکم محارب دانسته و او را به مجازات محاربه محکوم کرد.

نکته: در هر حالت (چه محارب محسوب شود و چه محارب محسوب نشود) شمول مجازات نسبت به مرتکب بر اساس این ماده منوط به **آگاهی** داشتن وی از **سبمت** فرد مورد تهاجم میباشد (هرچند برای اغراض شخصی باشد).

### ب. سوءقصد به جان مقامات سیاسی خارجی:

ماده ۵۱۶ تعزیرات.

بر اساس ماده مذکور، سوءقصد به مقامات ذیل جرم انگاری شده است:

\*رئیس کشور خارجی

\*نماینده سیاسی کشور خارجی

منظور ماده از «رئیس کشور خارجی» معلوم است. لکن منظور قانونگذار از اصطلاح «نماینده سیاسی» چندان روشن نیست و میتوان آن را به یکی از چهار صورت زیر تفسیر کرد:

**اول**، اینکه منظور از آن هر مقام سیاسی خارجی است که در ایران به سر میبرد، چه ماموریت رسمی داشته باشد و چه به عنوان یک توریست آمده باشد.

**دوم**، اینکه منظور از آن هر مقام خارجی است که مهمان رسمی دولت ایران محسوب میشود.

**سوم**، اینکه منظور از آن تنها رئیس هیأت نمایندگی کشور خارجی در ایران (یعنی حسب مورد سفیر یا کاردار) است.

**چهارم**، اینکه منظور از آن هر دیپلماتی است که در سفارتخانه خارجی در ایران مشغول به کار بوده و از مصونیت سیاسی برخوردار باشد.

از نظر نگارنده، **تفسیر سوم** از بقیه انطباق است و پس از آن تفسیر دوم.

مطابق ماده ۵۱۶ تعزیرات، سوءقصد به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران همان مجازات مذکور در ماده ۵۱۵ تعزیرات (راجع به سوءقصد به جان مقامات سیاسی ایران) را دارد لکن منوط به تحقق دو شرط شده است و آن اینکه:

۱. در آن کشور نیز نسبت به ایران مقابله متقابل شود و الا اگر مجازات خفیف تری اعمال کنند در ایران هم همان مجازات اعمال میگردد.

۲. اینکه دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مجنی علیه تقاضای مجازات را از دولت ایران بکند.

(در صورتی که دولت مربوطه یا نماینده سیاسی یا مجنی علیه یا ولی او تقاضای خود را مسترد کنند، تعقیب جزایی نیز موقوف میشود.)

طبق تبصره ماده ۵۱۶ تعزیرات «چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود، علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.»

دو اشکال:

اول اینکه تعیین دو مجازات برای یک عمل قابل توجیه نیست و بهتر آن بود که مقنن در اینگونه موارد با توجه به موفق شدن فرد در سوءقصد، مرتکب را فقط مشمول مقررات راجع به جرایم علیه اشخاص (یعنی قصاص یا دیه) بداند.

دوم اینکه علت نبودن چنین تبصره‌ای در ذیل ماده ۵۱۵ تعزیرات با توجه به تشابه جرم مذکور در آن با جرم مذکور در ماده ۵۱۶ تعزیرات روشن نیست. البته با توجه به اینکه هر دو ماده ۵۱۵ و ۵۱۶ تعزیرات در صورتی که سوءقصد به نتیجه هم بیانجامد از مصادیق تعدد معنوی میباشند، در اصل باید احکام تعدد معنوی؛ یعنی اعمال مجازات اشد جاری شود اما چون در انتهای ماده ۵۱۶ تعزیرات حکم خاص برای آن در نظر گرفته شده در این مورد از اصل عدول میشود لکن در مورد ماده ۵۱۵ و ماده ۵۱۶ اگر مجنی علیه یا ولی دم گذشت کند و سپس مرتکب طبق ماده ۶۱۲ و ۶۱۴ تعزیرات به مجازات تعزیری محکوم شود، در این صورت احکام تعدد معنوی (مجازات اشد) جاری میشود.

## ۲. توهین:

توهین از زمره جرایم علیه حیثیت و اعتبار **معنوی** اشخاص میباشد. بدین ترتیب، بحث تفصیلی راجع به آن باید در کتب راجع به جرایم علیه اشخاص انجام شود. لکن برخی از انواع توهین، به دلیل هویت و مقام مخاطب، میتواند مخل امنیت کشور نیز باشد.

توهین یا ساده است یا غیر آن که به **اعتبار مقام** مخاطب (مثل اینکه مخاطب نظامی یا وکیل یا مقام دولتی یا مقام مقدس باشد) یا **نحوه ارتکاب** (مانند هجویه) یا **ماهیت توهین** (مثل افترا یا قذف) یا **سن و جنسیت** مخاطب (مثل ماده ۶۱۹ تعزیرات) متفاوت خواهد بود.

توهین لفظی، فحش نامیده میشود و در ماده ۶۰۸ تعزیرات به آن اشاره شده است.

صرف خشونت در گفتار هرچند کاری بی ادبانه تلقی گردد، توهین محسوب نمیشود.

توهین به خود جرم محسوب نمیشود. مگر اینکه توهین به خود در واقع توهین به دیگری باشد یا اینکه بخاطر استعمال الفاظ رکیک در ملاء عام عملی مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه تلقی و از آن حیث وصف مجرمانه برای آن پیش بینی شده باشد.

نکته: توهین به اشخاص حقوقی را نمیتوان توهین به اعضا و رؤسای آنها دانسته و از لحاظ کیفری مورد تعقیب قرار داد.

نکته: توهین به طبقه یا گروهی از اشخاص، بدون تعیین مصادیق خاص، توهین کیفری محسوب نمیشود.

اینکه کسی همه دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و ... متصف به یک صفت موهین کند، توهین کیفری محسوب نمیشود، مگر آنکه تعداد اعضای گروه آنچنان کم باشد که توهین را بتوان متوجه تک تک آنها دانست.

از نظر برخی از حقوقدانان، ارتجالی یا ابتدایی بودن توهین ضروری است. لکن صحت این نظر محل تردید است؛ زیرا دلیلی بر امحاء وصف مجرمانه از توهین دوم، به صرف اینکه در پاسخ توهین اول بوده است، به نظر نمیرسد و در چنین حالتی تنها میتوان مرتکب را به استناد بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا. به دلیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز فرد اول، از کیفیات مخففه برخوردار دانست.

چند نکته:

۱. توهین کردن با فعل مثبت است.

۲. حضوری بودن توهین شرط نیست و توهین میتواند در غیاب شخص مورد توهین **ولی** در حضور دیگران صورت پذیرد.

۳. علنی بودن، شرط تحقق جرم توهین نیست.

۴. توهین به مردگان، توهین کیفری محسوب نمیشود مگر آنکه توهین به گونه ای باشد که عرفاً هتاکی به بازماندگان تلقی شود.

جرم توهین نیاز به عنصر روانی، یعنی عمد در توهین کردن دارد لذا مرتکب باید به توهین آمیز بودن رفتار خود آگاه باشد.

جرم توهین از زمره جرایم مطلق است و نیازی به نتیجه ندارد (لذا اگر توهین در عمل موجب تأذی مجنی علیه نشود، مانع از تحقق توهین نمیشود).

توهین موضوع ماده ۶۰۸ تعزیرات از جمله جرایم حق الناسی است و نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارد.

موارد توهین غیر ساده عبارتند از:

#### \* توهین به مقدسات:

ماده ۵۱۳ تعزیرات (همچنین در قوانین مطبوعات؛ همچون لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۵۸).

منظور از «پیامبران عظام» در متن ماده ۵۱۳ تعزیرات، تمام پیامبران شناخته شده در قرآن میباشد نه فقط پیامبران اولو العظم پنجگانه.

اهانت و توهین میتواند علاوه بر گفتار، با فعل و کتابت یا حتی با اشاره هم (به شرط صراحت) صورت گیرد ولی برای ترک فعل ظاهراً نمیتوان مجازاتی قائل شد (مثل بحث توهین ساده).

عنصر روانی جرم مذکور در ماده ۵۱۳ تعزیرات عمد در توهین (به عنوان سوءنیت عام) است که مستلزم آگاهی توهین کننده به توهین آمیز بودن رفتار خود میباشد لکن نیاز به سوءنیت خاص نیست.

ماده ۵۱۳ تعزیرات دو نوع مجازات را برای مرتکب در نظر گرفته است؛ اگر مرتکب ساب النبی محسوب شود اعدام میگردد و در غیر اینصورت تعزیر میشود.

سوال: چه کسانی ساب النبی محسوب میشوند؟

۱. هرکسی که پیامبران عظام را دشنام دهد.

۲. هر کسی که هر یک از ائمه و حضرت فاطمه زهرا (س) را دشنام دهد.

این جرم جزو جرایم با ماهیت عمومی است.

#### \* توهین به رهبر قبلی و فعلی:

ماده ۵۱۴ تعزیرات.

برخلاف ماده ۶۰۹ تعزیرات که راجع به توهین به مقامات دولتی است و در آنجا شرط شده که باید توهین یا در هین انجام وظیفه یا به سبب آن باشد، در ماده ۵۱۴ تعزیرات چنین شرطی پیش بینی نشده است.

این جرم جزو جرایم دارای ماهیت عمومی است.

نکته: توجه داشتن مرتکب به وهن آور بودن رفتارش و نیز آگاهی داشتن از مقام شخص مورد توهین، ضروری است.

جا داشت که ماده ۵۱۴ تعزیرات مانند ماده ۵۱۵ تعزیرات (راجع به سوء قصد) به مراجع بزرگ تقلید نیز اشاره میکرد.

### \* توهین به سایر مقامات دولتی ایران:

ماده ۶۰۹ تعزیرات.

اشخاص مورد حمایت در این ماده، مامورین دولتی میباشند که در هر یک از سه قوه مشغول خدمت هستند.

اشخاص مورد حمایت در این ماده حصری هستند؛ بنابراین نمیتوان اشخاص دیگری همچون اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای امنیت ملی یا سایر نهادهایی را که مذکور در قانون نباشند، تحت شمول ماده قرار داد.

محدودیتی که رویه قضایی ایران برای این افراد قرار داده آن است که این افراد باید، متصدی اعمال **حاکمیتی** دولت باشند و نه اعمال **تصدی** آن (منظور از اعمال حاکمیتی اعمالی هستند که دولت از حیث برخورداری از قدرت عمومی و در راستای اعمال قدرت مزبور انجام میدهد؛ مثل اعمال انتظامی و قضایی و نظایر آنها). **لکن** نگارنده این تفکیک را صحیح نمیداند.

برای شمول ماده ۶۰۹ تعزیرات، تحقق سه شرط لازم است:

**اول**، توهین باید با توجه به سمت شخص مخاطب انجام گیرد.

**دوم**، قربانی در هنگام توهین، دارای سمت های دولتی مذکور در ماده باشد.

**سوم**، توهین در حال انجام وظیفه یا به سبب آن باشد.

سوال: اگر مامور دولت در ساعات اداری در محل کار خود حاضر ولی مشغول انجام امور شخصی باشد، آیا میتواند وی را در حال انجام وظیفه دانست؟ آری.

بر اساس نظریه مشورتی «از لحظه ای که کارمند در محل خدمت حضور به هم میرساند تا لحظه ترک محل پیوسته در حین انجام وظیفه است ...»

نکته: برخورداری مامور دولت از حمایت مذکور در ماده منوط به آن است که وی از حدود وظایف خود خارج نشده باشد (همینطور اگر ثابت شود که عمل مامورین بر خلاف وظیفه بوده؛ مثل اینکه در شب وارد خانه کسی شوند، مقاومت با آنها مقاومت با مامور دولت حین انجام وظیفه نخواهد بود).

در این جرم نیز تحقق یکی از دو شرط «**علنی**» یا «**حضوری**» بودن لازم است.

(هرگاه توهین به کارمند دولت در حال انجام وظیفه او صورت گیرد باید حضوری باشد، لکن هرگاه توهین به سبب انجام وظیفه باشد میتواند در حضور کارمند یا در غیاب او اما در حضور دیگران صورت گیرد).

این جرم نیز از زمره جرایم با ماهیت عمومی و غیر قابل گذشت است.

### \* توهین به مقامات سیاسی خارجی:

ماده ۵۱۷ تعزیرات.

توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی منوط به آن است که **اولا** او وارد قلمرو خاک ایران شده باشد، **ثانیا** توهین علنی باشد (یعنی یا در حضور کسی باشد یا اینکه در مکانی عمومی که معد برای حضور دیگران است ولو اینکه آن لحظه کسی نباشد، صورت گیرد) **ثالثا** شخص مرتکب به سمت مخاطب و موهن بودن رفتار خود آگاهی داشته باشد و **رابعا** در آن کشور خارجی نیز عمل متقابل صورت گیرد.

این جرم دارای ماهیت خصوصی و قابل گذشت است.

### ۳. تخریب:

جرم تخریب به دلیل ایراد خسارت مالی به دیگران، از زمره جرایم علیه اموال و مالکیت محسوب میشود. لکن برخی از انواع تخریب، یا به دلیل **نوع مال** مورد تخریب (که جزو اموال دولتی و عمومی یا فرهنگی و مذهبی یا اموال مورد استفاده عامه میباشد) و یا به دلیل **قصد و نیت** مرتکب (به قصد مقابله با حکومت) به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی نزدیک هستند.

یکی از مصادیق بارز این جرم، تحریق یا احراق اموال است (مواد ۶۷۵ و ۶۷۶ تعزیرات).

در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ تعریفی از جرم تخریب ارائه نشده و تنها به ذکر مصادیقی از آن بسنده شده است.

این جرم را میتوان عبارت از نابود کردن یا خسارت وارد آوردن عمدی به مال متعلق به غیر دانست.

عنصر مادی این جرم عبارت است از «نابود کردن یا ایراد خسارت» به عنوان رفتار فیزیکی، «مال متعلق به غیر بودن آنچه که تخریب میشود و عینی بودن آن» به عنوان اوضاع و شرایط تحقق جرم و «تخریب شدن مال» به عنوان نتیجه مجرمانه.

عنصر روانی (معنوی) جرم تخریب، عمد در تخریب (سوءنیت عام) میباشد.

تصور تحقق این جرم با **ترک فعل** هرچند بعید، لکن **ممکن است**؛ مثل اینکه سوزنبنانی عمدا مانع را فرود نیاورد تا اتومبیلی بر اثر تصادف با قطار در حال عبوری خسارت ببیند.

نابود کردن یا ایراد خسارت لزوما نسبت به «مال» صورت نمیگیرد؛ لذا هرگاه کسی مشروبات الکلی یا مواد مخدر دیگری را از بین ببرد یا هوای خانه دیگری را با دود و مواد مسموم کننده آلوده نماید و یا انسانی را مضروب سازد، مشمول مقررات راجع به تخریب مال قرار نخواهد گرفت.

همینطور، اموال غیر عینی و غیر ملموس و امتیازات، مشمول عنوان تخریب قرار نمیگیرند؛ مثل اینکه کسی به طلب یا حق اختراع یا اسرار تجاری یا امتیازات واردات و صادرات دیگری صدمه ای وارد کند و یا با هک کردن و دست کاری در برنامه رایانه، آن را مختل نماید.

آنچه در مورد عینی بودن مال مورد تخریب گفته شد، به معنی آن نیست که خسارت وارده به آن نیز لزوماً باید ملموس و عینی باشد؛ بنابراین به نظر میرسد کسی را که برای مثال، یک فیلم عروسی را از روی سی دی پاک کرده است، میتوان به تخریب کیفری محکوم کرد.

ورود خسارت به مال، با توجه به ماهیت آن مال، بر عهده عرف میباشد و چه بسا عرف، خسارت را به دلیل جزئی بودن آن قابل چشم پوشی بداند.

خسارت میتواند به طور غیر مستقیم هم وارد شود؛ مثل اینکه شخص با قطع آبی که به پای درختان دیگری میریزد موجبات خشک شدن آنها را فراهم آورد. البته وجود عنصر روانی (سوءنیت) و رابطه سببیت لازم است.

در مواردی که مال موضوع جرم بین مرتکب و شخص دیگر به صورت مشاعی باشد و مرتکب مشاعاً مالک آن مال باشد در اینجا برخلاف اصل، یک رای وحدت رویه مبنی بر تحقق جرم وجود دارد (رای وحدت رویه شماره ۱۰ مورخ ۷/۱۳۵۵/۲۱).

همچنین اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی نظریه مشورتی، تخریب را شامل اموال اعم از منقول و غیر منقول و مفروز یا مشاع دانسته است.

(قاعده و اصل این است که در جرایمی که موضوع آنها مال است، هرگاه مال متعلق به خود شخص باشد، جرم محقق نمیشود. در فرض مشاعی بودن مال، در حقیقت آن مال متعلق به مرتکب میباشد لذا جرم محقق نیست لکن بخاطر وجود نص، در دو مورد از قاعده عدول شده است. در غیر این دو مورد، طبق قاعده عمل میشود. آن دو مورد استثناء عبارتند از: ۱. تخریب ۲. سرقت حدی موضوع ماده ۲۷۷ ق.م.ا. که در این دو مورد با وجود مشاع بودن مال، باز هم جرم با وجود سایر شرایط محقق است.)

جرم تخریب با سهل انگاری یا بی احتیاطی قابل ارتکاب نمیباشد و باید عمد در عمل وجود داشته باشد.

همینطور، آگاهی مرتکب نسبت به متعلق بودن مال مورد تخریب به دیگری ضروری است.

با توجه به **آنی** بودن جرم تخریب، متهم باید در همان لحظه ارتکاب عمل تخریب از عنصر روانی لازم برخوردار باشد.

دیوانعالی کشور در یکی از آرای (شماره ۴۱ مورخ ۱۳۳۷/۱/۱۴) خود کسی را که ظروف متعلق به دیگری را به قصد مضروب کردن او به سویس پرتاب کرده است، به جرم تخریب آن ظروف محکوم نکرد؛ زیرا علیرغم تحقق عنصر مادی تخریب، قصد وی از این کار، مضروب کردن طرف مقابل و نه شکستن ظروف متعلق به او بوده است (البته از نظر حقوقی مسئول جبران خسارات او میباشد و تنها از جنبه کیفری است که او را به مجازات تخریب محکوم نمیکند). لکن این رای از دیوانعالی دارای اشکال است و آن اینکه قصد و نیت اعم است از قصد مستقیم و قصد غیر مستقیم. در ما نحن فیه هرچند که قصد مستقیم تخریب ظروف وجود نداشته اما قصد غیر مستقیم موجود بوده و همین کفایت میکند. کسی که به قصد کشتن مسافران هواپیما، آن را بمب گذاری کرده و هواپیما را منفجر میکند همانقدر قاتل عمد است که کسی که این کار را به قصد «تخریب» محموله هواپیما و با علم به اینکه مسافران نیز در اثر انفجار هواپیما کشته خواهند شد مرتکب میشود.

بدین ترتیب تصمیم دیوانعالی کشور در صورتی درست است که حتی این نیت و قصد غیر مستقیم نیز احراز نگردد (مثلا از شدت عصبانیت دست دراز کرده و اولین چیزی را که به دستش رسیده به طرف فرد مورد نظر پرتاب نموده و بعدا متوجه شده که اینها ظروف متعلق به آن شخص بوده و شکسته اند).

سوال: با توجه به پیش بینی جرم خاص احراق در قانون (مواد ۶۷۵ و ۶۷۶ تعزیرات) آیا میتوان کسی را که تنها قصد خسارت زدن به مال را دارد اما مال اتفاقا یا در هر حال بدون پیش بینی او آتش میگیرد محکوم به این نوع جرم کرد یا اینکه باید تنها محکوم به جرم تخریب (ساده) شود؟ از نظر نگارنده با توجه به اینکه جرم تخریب و احراق ماهیتا یکی هستند و احراق یکی از مصادیق تخریب است، لذا همین که قصد تخریب مال از ناحیه مرتکب احراز شود، در صورت آتش گرفتن مال، وی را میتوان به ارتکاب جرم احراق محکوم کرد.

نمونه هایی از انواع جرم تخریب که دارای خصیصه ضدیت با امنیت و آسایش عمومی برخوردارند:

### \*آتش زدن اموال (احراق):

ماده ۶۷۵ تعزیرات.

برای تحقق جرم احراق، شعله ور شدن مال نه لازم است نه کافی؛ یعنی از یک سو ممکن است مال بدون شعله ور شدن بسوزد و خاکستر شود و در نتیجه جرم احراق محقق گردد و از سوی دیگر صرف شعله ور شدن مال در صورتی که بخاطر جنس خاص آن دچار آسیبی نمیشود، برای تحقق جرم احراق کفایت نمیکند.

نکته: اموال مذکور در ماده ۶۷۵ تعزیرات حصری هستند.

منظور از «اشجار» درختهایی است که هنوز در زمین هستند نه درختانی که بریده شده اند.

منظور از «محصولات زراعی» اعم از این است که محصولات مذکور هنوز چیده نشده و روی زمین باشد یا اینکه چیده و انبار شده باشد ولی شامل میوه و محصولاتی که برای فروش به بازار برده شده اند نمیشود. همچنین منظور از محصولات زراعی اشاره به آن زراعتی است که به صورت محصول درآمده نه اینکه صرفا به شکل تخم و بذر بر زمین پاشیده شده باشد.

منظور از محل مسکونی در ماده، هر مکانی است که برای سکونت اختیار شده ولو یک کانکس و یا کاروان متحرک باشد (محل معد برای سکنی نیز محل مسکونی است که فعلا کسی در آن ساکن نشده است).

تعلق اموال محروق به غیر، شرط ضروری جرم مذکور در ماده ۶۷۵ و تبصره یک آن است. لذا کسی که کشتی یا هواپیمای خود را به قصد مقابله با حکومت آتش بزند مشمول تبصره یک واقع **نمیشود**.

منظور از آتش زدن باغ، آتش زدن درختان و بناهای موجود در آن است.

برای شروع به جرم احراق، مجازات مستقل تعیین شده است (تبصره ۲ ماده ۶۷۵ تعزیرات).

کسی را که مثلا در حال نزدیک کردن کبریت به محصولات زراعی متعلق به غیر دستگیر میشود، میتوان به عنوان شروع به جرم احراق مجازات کرد.

این جرم دارای ماهیت عمومی و غیر قابل گذشت است.

طبق ماده ۶۷۸ تعزیرات اگر عمل احراق بوسیله مواد منفجره صورت گیرد موجب تشدید مجازات میشود.

**\*شکار یا صید حیوانات وحشی حفاظت شده:**

ماده ۶۸۰ تعزیرات.

**\*اتلاف اسناد دولتی:**

ماده ۶۸۱ تعزیرات.

به نظر میرسد که منظور از اسناد یا دفاتر دولتی در ماده ۶۸۱ تعزیرات اسناد یا دفاتر **متعلق** به دولت باشد نه اسناد یا دفاتر صادر شده از سوی دولت (یعنی اسناد رسمی). بنابراین مثلاً تلف کردن سند مالکیت یک ساختمان دولتی را باید مشمول ماده ۶۸۱ تعزیرات دانست اما تلف کردن سند مالکیت منزل متعلق به یک شخص خصوصی را مشمول ماده ۶۸۲ تعزیرات دانست.

**\*نهب و غارت:**

ماده ۶۸۳ تعزیرات.

برای تحقق این جرم حداقل باید **۴ نفر** در ارتکاب آن **مباشرت** (و نه معاونت) داشته باشند. اینجا منظور از مباشرت در جرم اعن از مباشر و تسبیب است.

**\*تخریب جنگل، درختان و مراتع:**

ماده ۶۸۶ تعزیرات.

شبهه این ماده در ماده ۴ «قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها ۱۳۵۹ اصلاحی ۱۳۸۸» آمده بود، که به نظر میرسد ماده ۴ مذکور در موارد مغایر ماده ۶۸۶ تعزیرات را نسخ کرده باشد.

نکته: این جرم حتی توسط مالک درخت نیز قابل ارتکاب میباشد؛ زیرا یک جرم علیه آسایش عمومی است.

تخریب درخت، اعم از این است که مستقیماً قطع شده یا اینکه به طرقی مثل ریختن مواد شیمیایی موجبات از بین رفتن آن فراهم آید.

آن درختانی که در ماده ۶۸۶ تعزیرات و ماده ۴ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، قطع آنها ممنوع اعلام شده به تصریح ماده ۱ قانون مذکور عبارتند از «قطع هرگونه درخت و یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میدین، بزرگراه ها، پارکها، بوستانها، باغات و نیز محلهایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه...»

در مورد مراتع و جنگلها، احکام و مقررات خاصی در قوانین مربوطه وجود دارد.

**\*خرابکاری در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت عمومی:**

ماده ۶۸۷ تعزیرات.



تعلق این اموال به دولت، شرط تحقق جرم موضوع این ماده نمیباشد، بلکه مهم آن است که اموال مذکور **برای استفاده عمومی** ایجاد شده باشد، اعم از اینکه متعلق به دولت یا بخش خصوصی باشد، یا اینکه با سرمایه مشترک دولت و بخش خصوصی احداث شده باشد.

نکته: شرط تحقق جرم موضوع ماده ۶۸۷ تعزیرات این است که آنها **ایجاد** یا **نصب** شده باشند.

برای شروع به این جرم نیز مجازات مستقل تعیین شده است البته در فرض شروع به این جرم **فرقی ندارد** که مرتکب آن اعمال را برای مقابله با حکومت یا اخلال در نظم و امنیت انجام داده باشد یا نه.

#### ※ اقدامات علیه بهداشت عمومی:

ماده ۶۸۸ تعزیرات.

با توجه به داشتن ماهیت عمومی، این جرم میتواند توسط سایر افراد نیز مورد شکایت قرار گیرد و حتی مراجع قضایی بدون وجود شکایت نیز قادر به تعقیب مرتکب جرم مورد بحث میباشند.

سایر قوانین در مورد اقدامات علیه بهداشت عمومی عبارتند از:

۱. قانون حفاظت محیط زیست ۱۳۵۸

۲. قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و درمانی ۱۳۶۷

۳. قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶

۴. آیین نامه مقررات بهداشتی ۱۳۴۷

۵. آیین نامه بهداشت محیط ۱۳۷۰

۶. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳

۷. آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۳۵۴

۸. آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب ۱۳۷۳

۹. قانون توزیع عادلانه آب ۱۳۶۱

#### ※ تخریب اموال تاریخی و فرهنگی:

مواد ۵۵۸ الی ۵۶۹ تعزیرات.

البته این مواد تنها به تخریب این اموال نمیپردازند بلکه اعمالی چون سرقت، کاوش، خرید و فروش، قاچاق و تغییر دادن نحوه استفاده از آنها را نیز در بر میگیرند و بنابراین بهتر آن بود که این مواد تحت عنوان «جرایم علیه اموال تاریخی و فرهنگی» ذکر میشدند.

بخشی از این جرایم حتی توسط خود مالک این اموال نیز قابل ارتکاب میباشند که از جمله آنها مواد ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ تعزیرات میباشند.

این جرم قابل گذشت نیست و ماهیت عمومی دارد.

ماده ۵۶۵ تعزیرات به انتقال بدون مجوز این گونه اموال پرداخته است. در این حالت به نظر میرسد که **انتقال گیرنده** را بتوان **معاون** جرم دانست. مجازات مذکور در ماده ۵۶۵ تعزیرات ظاهراً مربوط به وقتی است که شخص مالک، این اموال را بدون مجوز انتقال میدهد و الا هرگاه شخصی غیر از مالک چنین کند، مجازات وی سنگین تر بوده و به مجازات انتقال مال غیر محکوم خواهد شد.

#### **\*اخلال در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمایی:**

این جرم در قوانین خاصی مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله میتوان از «قانون مجازات اخلال گران در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمایی ۱۳۴۹» نام برد.

#### **\*شکستن مهر و پلمپ یا دفاتر ثبت و ضبط دولتی یا اسناد موجود در اماکن دولتی:**

مواد ۵۴۳ الی ۵۴۶ تعزیرات.

در این مواد، اعمال زیر جرم انگاری شده اند:

۱. شکستن یا محو مهر یا پلمپ

۲. ارتکاب عملی که در حکم محو یا شکستن مهر یا پلمپ تلقی شود

۳. ربودن، تخریب و یا معدوم کردن بعضی یا کل نوشته ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند، سپرده شده اند (از سوی امانت دار یا مستحفظ و یا سایرین)

۴. اهمال دفتر دار و مباشر ثبت و ضبط و سایر اشخاصی که به واسطه اهمال آنها اعمال اخیرالذکر وقوع یافته اند

سوال: منظور از عمل در حکم محو یا شکستن مهر یا پلمپ چیست؟ منظور از آن، اعمالی مثل احراق یا ربودن یا حتی ورود به محل پلمپ میباشد.

#### **\*تخریب رایانه ای:**

مواد ۷۳۶ الی ۷۳۹ تعزیرات.

#### **۴. تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت:**

تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت، علیرغم اینکه به ارتکاب جرم نینجامیده است، خود میتواند یک جرم علیه امنیت محسوب شود.

مجازات کردن تبانی به معنی مجازات کردن اندیشه مجرمانه صرف نمیشود؛ زیرا عنصر مادی جرم با **حصول توافق** تحقق یافته است.

برای تحقق این جرم، حداقل وجود دو نفر لازم است.

#### **\*عناصر متشکله جرم تبانی:**

تبانی یکی از جرایمی است که تفکیک بین عنصر مادی و عنصر روانی آن آسان نمیباشد؛ زیرا عنصر مادی تبانی «توافق» است که خود در واقع یک عملکرد ذهنی است، به محض وقوع توافق، عنصر مادی جرم محقق میشود.

به نظر میرسد که عنصر روانی تبانی را باید «**قصد عملی کردن توافق**» دانست.

نکته: اگر جرم مورد نظر تبانی کنندگان نیازمند سوءنیت خاص (مثلاً قصد برهم زدن امنیت کشور) باشد، این سوءنیت باید در تبانی کنندگان برای آن جرم احراز شود تا بتوان آنها را به تبانی برای ارتکاب آن جرم محکوم نمود.

صرف اینکه دو یا چند نفر یکدیگر را تشویق به ارتکاب جرم نمایند آنان را مشمول مقررات تبانی نمیسازد و حکم این موارد را باید در مقررات راجع به **معاونت** جست.

نکته: در تبانی، وجود **هدف مشترک** بین افراد الزامی است (لکن اینکه همه اعضا که توافق کرده اند، موافقت خود را **ابراز** کنند و با هم در ارتباط باشند، ضرورتی ندارد).

تبانی به دو صورت ممکن است:

۱. **تبانی چرخشی**؛ یعنی اینکه یک نفر به عنوان رهبر گروه با افراد دیگری در تماس بوده و نظر آنها را به ارتکاب جرم جلب کرده است بدون اینکه آن افراد هیچ تماسی با یکدیگر داشته باشند.

۲. **تبانی زنجیره ای**؛ وقتی است که برای ارتکاب یک جرم، شخص **الف** با **ب**، **ب** با **ج** و **ج** با **د** در ارتباط بوده است.

از نظر نگارنده، تبانی یک جرم مستمر است.

**جرم تبانی بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور** (موضوع ماده ۶۱۰ تعزیرات) به موجب بند **الف** ماده ۱۰۹ ق.م.ا. مشمول مرور زمان **نمیشود**.

نکته: محکوم کردن دو یا چند به تبانی برای ارتکاب جرم، منوط به آن است که جرم مورد نظر ارتکاب نیافته باشد و الا در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، باید آنان را فقط به ارتکاب جرم تام محکوم کرد.

اینکه یکی از طرفین یک تبانی دو نفره بنا به یک دلیل شخصی (مثل مصونیت دیپلماتیک) از مسئولیت کیفری معاف باشد، مانع عدم تحقق تبانی نمیشود. **مگر** آنکه اساساً توافق طرف مقابل را نتوان احراز کرد؛ مثل اینکه او یک صغیر غیر ممیز یا مجنون باشد که اساساً نتوان گفت که برای ارتکاب جرم توافق کرده است.

همینطور عدم امکان ارتکاب جرم غایبی (مدنظر) از سوی یکی از طرفین (بنا به دلایل قانونی) به معنی عدم تحقق جرم تبانی نخواهد بود؛ برای مثال هرگاه یک کارمند دولت و یک نفر غیر کارمند برای ارتکاب اختلاس یا ارتشا از سوی نفر اول (کارمند) تبانی کنند، طرفین به تبانی کیفری محکوم میشوند. بدیهی است در صورت ارتکاب جرم، طرف دیگر (غیر کارمند) به معاونت در جرم محکوم خواهد شد؛ زیرا در معاونت نیز برای محکوم کردن معاون، برخورداری او از ویژگیهایی که قانوناً برای مباشر لازم است، ضرورت ندارد.

سوال: حکم تبانی کردن برای ارتکاب جرم محال چیست؟ بر اساس تفسیر به نفع متهم و اینکه فقها تجری را مستوجب مجازات نمیدانند، لذا محکوم کردن افراد به ارتکاب تبانی جزایی در جرم محال، بعید به نظر میرسد.

**\*توافق مشروط:**

هرگاه اجرای توافق منوط به تحقق شرایطی باشد، ظاهراً نمیتوان طرفین توافق را به جرم تبانی محکوم کرد. به عبارت دیگر، منوط کردن توافق به شرط یا شروط را نمیتوان توافق نامید.

**\*مکان حصول توافق:**

در ایران، تبانی در صورتی قابل تعقیب و مجازات میباشد که توافق انجام شده برای ارتکاب عملی باشد که از لحاظ قوانین ایران جرم محسوب میشود.

سوال: آیا در صورتی که تبانی در خارج انجام گرفته باشد در ایران قابل تعقیب و مجازات است؟ چند شق قابل تصور است:

**اول**، تبانی در ایران برای ارتکاب جرمی در ایران، که مسلماً در ایران قابل مجازات است.

**دوم**، تبانی در ایران برای ارتکاب جرمی در خارج، در اینصورت زمانی میتوان این تبانی را قابل مجازات دانست که آن عملی که برای آن تبانی صورت میگیرد در داخل ایران هم جرم باشد (مانند جرایم مذکور در ماده ۵ ق.ا.م.).

**سوم**، تبانی در خارج برای ارتکاب یک جرم عمومی در ایران یا خارج، که تنها در صورتی در ایران قابل پیگیری است که مرتکبان یا حداقل یکی از آنان ایرانی باشد (ماده ۷ ق.ا.م.).

**چهارم**، تبانی در خارج برای ارتکاب یک جرم علیه امنیت ایران در ایران یا خارج، در این صورت در ایران قابل مجازات است.

**\*شروع به ارتکاب تبانی، معاونت در تبانی و تبانی در معاونت:ک ۲**

الف. شروع به ارتکاب تبانی:

تحقق شروع به جرم در ارتکاب تبانی، **غیر قابل تصور است**. توافق یا حاصل میشود یا حاصل نمیشود و قابل تجزیه نیست.

البته هرگاه برای تحقق تبانی چیزی بیش از صرف توافق ضروری باشد (مثل اینکه در ماده ۶۱۱ تعزیرات «تدارک دیدن مقدمات اجرایی» هم لازم دانسته شده است) در آن حالت شاید بتوان شروع به تبانی را تصور کرد.

ب. معاونت در تبانی:

تحقق معاونت در تبانی **ممکن به نظر میرسد** (مثل اینکه کسی اسباب حصول توافق بین دو یا چند نفر را برای ارتکاب جرم فراهم نماید).

ج. تبانی در معاونت:

تبانی در معاونت، **ممکن است**؛ زیرا معاونت، جرمی است که امکان تبانی در آن قابل تصور است (مانند اینکه دو نفر تبانی کنند که به دیگری در ارتکاب جرم جاسوسی مساعدت نمایند).

**\*انواع تبانی های کیفری:**

هرچند تبانی برای ارتکاب همه جرایم، واجد وصف مجرمانه تلقی گشته است (ماده ۶۱۱ تعزیرات) اما شرایط تحقق این جرم در صورتی که قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت وجود داشته باشد، آسان تر و مجازات آن بیشتر می باشد (۶۱۰).

همانطور که از متن دو ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ تعزیرات استنباط میشود، تحقق جرم مذکور در ماده ۶۱۱ تعزیرات، علاوه بر حصول توافق به ارتکاب جرم بین دو یا چند نفر، منوط به تحقق دو شرط شده است:

۱. تهیه مقدمات اجرایی جرم (مقدمات اجرایی یک مرحله قبل از شروع به جرم است).

۲. توافق کنندگان خودشان از اقدام به جرم عدول نکرده و بدون اراده خود موفق به ارتکاب جرم نشده باشند.

نکته: اینکه در ماده ۶۱۱ تعزیرات تبانی کردن علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم جرم دانسته، باید دقت شود آن اعمالی که علیه اعراض، نفوس و اموال مردم برایشان تبانی میشود، خود آن اعمال هم باید جرم باشند.

هیچ یک از دو شرطی که برای تحقق تبانی مذکور در ماده ۶۱۱ تعزیرات ضروری هستند برای تحقق تبانی موضوع ماده ۶۱۰ تعزیرات لازم نمی باشد، بلکه صرف تبانی برای ارتکاب جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور قابل مجازات است.

نکته: اعمال مفاد ماده ۱۳۰ ق.م.ا. مربوط به سردستگی) در ما نحن فیه بلامانع است؛ زیرا به هر حال تبانی هم یک جرم است.

#### ۱.۵. اشاعه اکاذیب:

ماده ۶۹۸ تعزیرات.

جرم نشر اکاذیب یک جرم مطلق است (نیاز به نتیجه ندارد).

این جرم متشکل از سوءنیت عام (عمد در اظهارات کذب) و سوءنیت خاص (قصد ایراد ضرر به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا اذهان مقامات رسمی) می باشد.

اشاعه اکاذیب بر اساس ماده ۶۹۸ تعزیرات باید بوسیله موارد زیر انجام شود (مصادقی):

✳️ نامه

✳️ شکوائیه

✳️ مراسله

✳️ عریضه

✳️ گزارش

✳️ توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی

(از مصادیق مذکور در ماده میتوان استنباط کرد که اظهارات شفاهی از شمول ماده خارج است).

این جرم دارای ماهیت خصوصی و قابل گذشت است.

(انواع خاصی از این جرم در ماده ۷۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ تحت عنوان «گزارش خلاف واقع» پیش بینی شده است.)

هرگاه اخبار کذب از طریق مطبوعات منتشر گردد، جرم ارتكابی دارای ویژگی مطبوعاتی بوده و باید به عنوان یک جرم مطبوعاتی با وجود هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد. در صورتی که این کار از طریق ارسال پست الکترونیکی (ایمیل) انجام یا گزارش در یک وبسایت گنجانیده شود، مشمول ماده ۷۴۶ تعزیرات (جرایم رایانه ای) خواهد بود که راجع به نشر اکاذیب بوسیله سامانه رایانه ای و مخابراتی است.

## ۶. تظاهر، قدرت نمایی و هیاهو و جنجال:

تظاهر و قدرت نمایی در ماده ۶۱۷ تعزیرات و هیاهو و جنجال در ماده ۶۱۸ تعزیرات.

این دو از زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی هستند.

ماده ۶۱۷ تعزیرات یک جرم **مطلق** را پیش بینی کرده است و موفقیت فرد در اخاذی یا تهدید، شرط تحقق جرم نمیباشد.

از نظر نگارنده در ماده ۶۱۷ تعزیرات در شق «گلاویز شدن با دیگری» داشتن اسلحه ضروری نیست و معتقد است بخاطر اینکه عبارن «گلاویز شدن» را مطلق آورده لذا شامل موردی که اسلحه ای هم در کار نیست میشود.

(به عبارت دیگر اعمال «تظاهر»، «قدرت نمایی»، «مزاحمت»، «اخاذی» و «تهدید دیگران» باید با اسلحه (سرد یا گرم) انجام شود لکن «گلاویز شدن» بدون اسلحه نیز ممکن است مشمول ماده ۶۱۷ تعزیرات شود.)

منظور از «اخاذی» در ماده اعم از این است که به مسائل مالی مرتبط باشد یا به سایر مسائل؛ مثل خواسته های جنسی.

نکته: شمول ماده ۶۱۷ تعزیرات بر مرتکب این اعمال، مشروط به آن است که او محارب شناخته نشود.

جرم قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگری از زمره جرایمی است که به موجب بند پ ماده ۴۷ ق.م.ا. صدور حکم و اجرای مجازات در مورد آن **قابل تعویق و تعلیق نمیباشد.**

جرم موضوع ماده ۶۱۸ تعزیرات از زمره جرایم **مقید** است و عملاً باید در نظم و آسایش عمومی اختلال ایجاد شده یا مردم از کسب و کار بازداشته شوند.

## ۷. اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمروی حاکمیت ایران:

ماده ۲۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲.

## فصل دوم: جعل و استفاده از سند مجعول

مقدمه:

جرم جعل به جرم کلاهبرداری نزدیک است؛ از آن رو که در هر دو جرم نوعی تحریف حقیقت و توسل به حيله و تقلب مشاهده میشود.

جرم جعل از زمره جرایم برخوردار از ماهیت عمومی و غیرقابل گذشت است.

### تعریف:

در قانون ایران تعریفی از جرم جعل ارائه نشده است بلکه احکام راجع به انواع و مصادیق مختلف آن طی ۲۰ ماده (۵۲۳ الی ۵۴۲) در فصل پنجم از کتاب پنجم (تعزیرات) آورده شده اند.

برخی حقوقدانان، جرم جعل را اینگونه تعریف کرده اند: «قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری»، لکن این تعریف **جامع نیست**؛ زیرا مواردی مثل جایی که ورقه مجعول، ضمن ساختگی بودن، در عین حال موافق با واقع و حقیقت باشد، مشمول این تعریف نمیشود در حالیکه فی الواقع این عمل نیز جعل است (مانند بدهکاری که قرضش را پرداخته و رسید نگرفته یا رسید گرفته اما آن را گم کرده و بعد رسیدی از طرف طلبکار خود میسازد که با اینکه مخالف حقیقت نیست ولی جعل محسوب میشود).

نگارنده، تعریف زیر را از جرم جعل ارائه میدهد: «ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری به قصد جا زده شدن آنها به عنوان اصل.»

### توضیح مصادیق جعل:

ماده ۵۲۳ تعزیرات.

مصادیقی که در این ماده ذکر شده است تمثیلی هستند نه حصری.

### ۱. ساختن نوشته یا سند:

در این مورد، جاعل به ساختن یک نوشته یا سند اعم از رسمی یا غیر رسمی، اقدام میکند.

این نوشته یا سند باید **قابل استناد باشد و قابلیت اضرار به غیر** را داشته باشد و لزومی ندارد که این اضرار، مالی باشد.

سوال: آیا نوشته موضوع جرم جعل باید لزوماً بر روی چیزهایی مثل کاغذ نوشته شود یا اینکه میتواند بر روی یک پیام رایانه ای، یک قطعه سنگ، یک فلز و یا یک مجسمه هم درج شود؟ به نظر میرسد که با توجه به لزوم تفسیر مضیق و به نفع متهم، باید نوشته را محدود به قدر متیقن آن (یعنی نوشته مندرج بر روی اوراق کاغذ نمود.

همینطور یک تابلوی نقاشی، نوشته محسوب نمیشود و لذا کسی که شبیه یک تابلوی نقاشی معروف را میکشد نمیتواند بدون وجود ماده یا قانون خاصی که این عمل را صراحتاً جعل بداند و بدون جعل امضای آن نقاش معروف، جاعل محسوب شود ولی البته اگر با فروش آن به عنوان تابلوی اصل پولی را بدست آورد، کلاهبردار محسوب خواهد شد.

نکته: دست نویس بودن یا به زبان فارسی بودن نوشته ضرورتی ندارد بلکه میتواند تایپ یا چاپ شده و به زبان و خط دیگری (حتی خط بریل) هم باشد.

هرگاه مثلاً بلیط ورود به ورزشگاه حاوی هیچ نوشته ای نباشد بلکه تنها دارای تصویر و به رنگ خاصی باشد، جعل محسوب کردن ساخت تقلبی آن از لحاظ مقررات موجود مشکل خواهد بود (در این مورد حتی بعید است که بتوان مرتکب را از نظر قوانین، کلاهبردار محسوب کرد؛ زیرا او با این حيله و تقلب مالی را کسب نکرده بلکه صرفاً اجازه ورود به ورزشگاه را یافته است).

## ۲. ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی:

با توجه به لزوم تفسیر مضیق نصوص جزایی، ظاهراً **نمیتوان** جعل اثر انگشت را در حکم جعل امضا دانست.

ساختن مهر یا امضای دیگران با سایر موارد مذکور در ماده ۵۲۳ تعزیرات از این جهت فرق دارد که در این دو، چیزی که وجود نداشته به وجود آمده است در حالیکه در هفت مورد بعدی، چیزی که موجود بوده به شکل متقلبانه **تغییر** داده شده است.

نکته: در صورتی «تغییر» جعل محسوب میشود که بر روی یک سند یا نوشته اصیل و معتبر واقع شود و نه بر روی یک مدرک جعلی یا غیر معتبر.

از نظر نگارنده هرگاه شخصی «تاریخ» مندرج بر روی یک سند اصلی را تغییر داده باشد و بعداً شخص دیگری «نام» مذکور در آن را هم تغییر دهد، ظاهراً عمل هر دو نفر جعل محسوب میشود.

کسی که با سوءنیت دفترچه گذرنامه ای را به شکل خام و سفید درست کند و دیگری هم با سوءنیت مشخصات شخصی را در آن وارد نماید در چنین حالتی باید این دو نفر را به شرکت در جرم جعل واحدی محکوم کرد که هر یک بخشی از آن را انجام داده اند.

## ۳. خراشیدن یا تراشیدن:

تفاوت بین این دو آن است که در خراشیدن، بخشی از حروف کلمه یا رقمی از یک عدد و در تراشیدن، کل کلمه یا عدد محو میشود.

## ۴. قلم بردن:

در قلم بردن صرفاً چیزی به سند یا نوشته اضافه نمیشود بلکه ممکن است با قلم بردن در سند قسمتی از آن ناخوانا گردد.

## ۵. الحاق:

در این مورد چیزی به سند اضافه میشود؛ مثلاً رقمی در مقابل مبلغ چک گذاشته شود.

## ۶. محو یا اثبات یا سیاه کردن:

منظور از «محو» کردن، پاک کردن بخشهایی از نوشته به هر وسیله ای است.

سوال: آیا میتوان سوزاندن و بریدن بخشهایی از سند را هم مشمول عنوان جعل دانست؟ در حقوق ایران تعقیب چنین شخصی تحت عنوان تخریب به جای جعل، ارجح میباشد. البته سوزاندن یا اتلاف کل سند قطعاً محو کردن و در نتیجه جعل محسوب نمیشود و بسته به اینکه سند مذکور دولتی یا غیر دولتی باشد، مشمول یکی از مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ تعزیرات خواهد شد.

اگر کسی چکی را با جوهر محو شونده بنویسد که خود به خود و به مرور زمان متن چک محو شود، نمیتوان وی را جاعل محسوب کرد، هرچند که ممکن است عناوین مجرمانه دیگری، مثل صدور چک پرداخت نشدنی یا کلاهبرداری به وی قابل انتساب باشد.

واژه «اثبات» متضاد واژه «ابطال» و به معنی از حالت بطلان خارج کردن سند یا نوشته است به صورت متقلبانه.

منظور از «سیاه کردن» سند، ناخوانا کردن بخشهایی از آن با وسایلی مانند جوهر است.



## ۷. تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی آن:

منظور از این کار آن است که شخصی **پس از تنظیم شدن یک سند**، تاریخ مندرج در آن را جلو یا عقب بیندازد.

هرگاه تقدیم یا تاخیر تاریخ سند در وقت تنظیم سند صورت گیرد ممکن است با وجود سایر شرایط، به جای جعل مادی، جعل مفادی (معنوی) ارتکاب یابد (به عبارت دیگر اگر تاریخ سند از همان اول خلاف واقع و متقلبانه درج شود ممکن است جعل مفادی رخ دهد و اگر این عمل پس از تنظیم سند و درج صحیح تاریخ انجام شود جعل مادی رخ داده است).

## ۸. الصاق نوشته ای به نوشته دیگر:

در این مورد، بخشهایی از یک نوشته به بخشهایی از یک نوشته دیگر منضم میشود تا آنچه که به وجود می آید نوشته واحدی تصور شود.

هرگاه سند واحدی را صاحب آن پاره کند، الصاق تکه های آن به هم، جعل نیست؛ زیرا وی نوشته ای را به نوشته دیگر پیوست نکرده، بلکه بخشهای مختلف یک نوشته را به یکدیگر الصاق کرده است. البته اگر کسی با این کار بتواند مالی را ببرد و شرایط لازم موجود باشد، کلاهبردار محسوب میشود. حتی در صورت تلاش برای رسیدن به این هدف و عدم موفقیت در آن نیز استفاده از عنوان شروع به کلاهبرداری علیه چنین شخصی دور از دسترس نخواهد بود.

نکته: اگر کسی چیزی که نوشته محسوب نمیشود (مثل یک قطعه عکس) را به عکس یا نوشته دیگر اضافه کند، مشمول این عنوان نخواهد شد.

## ۹. به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن:

هرگاه نوشته یا سندی که ذیل آن، مهر شخص دیگر به کار میرود این قابلیت را نداشته و در واقع برای آن منظور سندیت نداشته باشد، جعل مهر محقق نمیشود (مثل اینکه شاگرد یک مغازه بقالی بر روی حکم وزارت شخص دیگر، که تایپ شده و بنا است به امضای رئیس جمهور برسد، مهر صاحب مغازه بقالی را بدون اجازه وی بزند. در اینصورت، امکان اینکه دیگران از این سند به اشتباه افتاده فریب بخورند وجود ندارد و در واقع سندیتی برای این نوشته متصور نمیشود).

قانونگذار در انتهای ماده ۵۲۳ تعزیرات، عبارت «و نظایر آن» را افزوده است. شاید دلیل این امر آن باشد که برخی از جعل های مذکور در مواد بعدی (مثل جعل منگنه یا علامت) در زمره هیچ یک از موارد احصا شده در ماده ۵۲۳ تعزیرات قرار نمیگیرد و لذا قانونگذار با ذکر عبارت «و نظایر آن» آنها را نیز جزو مصادیق جعل آورده است.

## عنصر مادی جرم جعل:

### الف. رفتار فیزیکی در جرم جعل:

جعل را میتوان به دو نوع جعل مادی و مفادی تقسیم بندی کرد. جعل مادی آن است که در ظاهر و صورت نوشته یا سند و غیره خدشه ای وارد شود (مثل اکثر موارد مذکور در ماده ۵۲۳ تعزیرات) و جعل معنوی (مفادی) آن است که بدون ایراد هیچ گونه خدشه ای به ظاهر سند و نوشته، حقیقت در آنها تحریف شده و مطالب منتسب به دیگران به گونه دیگری در آنها منعکس شود (مثل موارد مذکور در ماده ۵۳۴ تعزیرات).

**\*رفتار فیزیکی در جرم جعل مادی:**

رفتار فیزیکی در جعل مادی همواره به شکل فعل **مثبت** است.

**۱. جعل احکام یا امضا یا مهر یا فرمان یا دستخط مقامات دولتی:**

مواد ۵۲۴ و ۵۲۵ تعزیرات.

در ماده ۵۲۵ تعزیرات از اعضای سایر مجامع، نهادها و شوراهای مهم دولتی (مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی امنیت ملی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظایر آنها) نام برده نشده است.

**۲. جعل مهر، تمبر، منگنه یا علامت یکی از شرکتها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای عمومی غیر دولتی و یا شرکتها و تجارتخانه های غیر دولتی:**

مواد ۵۲۵، ۵۲۸ و ۵۲۹ تعزیرات.

دو نکته:

۱. در هر ماده که در آن به جعل مهر اشاره شده، اعم از این است که مهر اشخاص و نهادهای مورد اشاره بدون مجوز ساخته شود یا اینکه مهر آنها بدون اجازه ذیل نوشته یا سندی به کار رود.

۲. تهیه سربرگ ادارات، جعل محسوب نمیشود مگر آنکه حاوی علامتی باشد (رای وحدت رویه شماره ۱۰۹۰ مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۸).

**۳. جعل احکام دادگاه ها یا اسناد یا حواله های صادره از خزانه دولتی و منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار میرود:**

بندهای سوم و چهارم ماده ۵۲۵ تعزیرات.

**۴. جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی یا اسناد و اوراق بهادار و حواله های صادره از خزانه:**

مواد ۵۲۵، ۵۲۶ تعزیرات و قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس ۱۳۶۸ و قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹.

(تفاوت عمده موجود بین ماده ۵۲۵ و ۵۲۶ تعزیرات این است که برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۲۶ تعزیرات، وجود قصد خاص «اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی» ضروری است.)

از جمع مقررهای قانونی شاید بتوان نتیجه گیری کرد که جعل اسکناس رایج داخلی، در صورت وجود قصد مبارزه با نظام (یعنی قصد براندازی) یا عضویت در باند یا سایر شرایط مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. مجازات مفسد را خواهد داشت. جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی و سایر اسناد بانکی و اوراق و اسناد بهادار یا حواله های صادره از خزانه، به شرط احراز قصد «اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی» مشروط به آنکه به حد براندازی و مقابله با نظام نرسد، موجب مجازات حبس از ۵ تا ۲۰ سال به موجب ماده ۵۲۶ تعزیرات خواهد شد و در صورت عدم احراز چنین قصدی، مرتکب، بر اساس بند پنجم ماده ۵۲۵ تعزیرات به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

جعل اسکناس داخلی یا خارجی در صورتی جرم و مرتکب آن قابل تعقیب تحت عنوان جاعل خواهد بود که **اولا** در ایران یا خارج رواج داشته باشد و **ثانیا** شباهت بین اسکناس مجعول و اسکناس واقعی نیز رعایت شده باشد.

نکته: اسکناس از دور خارج شده و به صرف اینکه همچنان در بانک خاصی که دولت اعلام کرده است برای مدت مشخصی قابل تبدیل به پول رایج کشور میباشد، اسکناس رایج محسوب **نمیشود**.

(مجازات جاعلین اسکناس های رایج خارجی در ایران مشروط به شرط عمل متقابل **نشده** است).

#### ۵. جعل مدارک تحصیلی:

ماده ۵۲۷ تعزیرات.

(در قسمت آخر ماده یک اشکال شکلی به نظر میرسد وجود دارد و آن به کار بردن واژه «یا» در ماده است. منظور مقنن این نبوده که در مورد اعمال حد اکثر مجازات، یا مرتکب از کارکنان وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی باشد و یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک جعلی شرکت داشته باشد، بلکه منظور آن بوده است که وجود هر دو شرط برای اعمال این مجازات لازم باشد و باید از واژه «**و**او عطف» استفاده میشد نه «یا»).

#### ۶. جعل در اسناد و نوشته های غیر رسمی:

ماده ۵۳۶ تعزیرات.

(شبهه ماده ۵۳۶ تعزیرات در ماده ۱۰۶ ق.م.ج.ن.م. از سوی نظامیان پیش بینی شده است).

#### ۷. جعل در اسناد و نوشته های رسمی:

ماده ۵۳۲ و ۵۳۳ تعزیرات.

ماده ۵۳۲ تعزیرات حکم عام جعل در اسناد و نوشته های رسمی توسط ماموران دولتی را پیش بینی کرده است. بنابراین، در هر مورد که حکم خاصی در قضیه موجود باشد (مثل جعل امضا یا مهر مقامات عالی رتبه دولتی که در مواد ۵۲۴ و ۵۲۵ تعزیرات مورد پیش بینی قرار گرفته است) باید مطابق همان حکم خاص عمل نموده و تنها در غیر آن موارد مصرح به این ماده برای یافتن حکم موضوع، رجوع کرد.

(به نظر میرسد که همه موارد چهارگانه مذکور در ماده ۵۳۲ تعزیرات از مصادیق جعل مادی باشند و حالتی را در بر گیرند که کارمند، تغییر یا تحریفی در اسناد رسمی ایجاد میکند).

باید توجه داشت که جعل در رونوشت مصدق یا در برگه المثناى اسناد رسمی نیز در حکم جعل در اسناد رسمی محسوب میشود.

نکته: برای ارتکاب جرم موضوع ماده ۵۳۲ تعزیرات، کارمند دولت باید عمل جعل را در اجرای وظایف خود مرتکب شده باشد (که اگر اینگونه نباشد ظاهرا مطابق ماده ۵۳۳ تعزیرات مجازات میشود) و در اینجا برخلاف قسمت اخیر ماده ۵۲۷ تعزیرات، صرف کارمندی دولت باعث شمول این ماده نمیشود.

#### ۸. عکس برداری از اوراق و مدارک:

ماده ۵۳۷ تعزیرات.

برای تهیه کنندگان این عکس ها دو شرط لازم است تا آنها را مشمول این ماده بدانیم:

۱. شبیه بودن فتوکپی گرفته شده با اصل

۲. نداشتن مهر یا علامتی که نشان دهد این، عکس و کپی سند اصلی است

(البته نگارنده معتقد است که تنها باید تهیه کننده ای را مشمول ماده بدانیم که فتوکپی یا عکس را **به عنوان اصلی** و با این قصد تهیه کرده باشد که آن عکس یا فتوکپی توسط خود وی یا دیگری به جای اصلی مورد استفاده قرار گیرد.)

برای استفاده کنندگان از این عکس ها سه شرط لازم است تا آنها را مشمول این ماده بدانیم:

۱. شبیه بودن فتوکپی گرفته شده با اصل

۲. نداشتن مهر یا علامتی که نشان دهد این، عکس و کپی سند اصلی است

۳. به جای سند اصلی به کار رود

این جرم یک جرم **مطلق** است.

عبارت «و سایر مدارک مشابه» در ماده ۵۳۷ تعزیرات کمی مبهم می باشد. شاید تفسیر مضیق و به نفع متهم ایجاب نماید که این ماده را فقط در مورد مدارک صادره از سوی دولت و نهادهای رسمی مجری بدانیم.

نکته: مقنن عمل دیگری که بیشتر به جعل شبیه است و خطرناک تر می باشد؛ یعنی عکسبرداری از اسناد مجعول را مورد حکم قرار نداده است.

#### ۹. جعل گواهی پزشکی:

ماده ۵۳۸ تعزیرات.

طبق این ماده که بیان داشته «هرکس شخصا یا توسط دیگری ...» حتی اگر کسی به دیگری دستور این جعل را بدهد هر دو (آمر و مباشر) محکوم به مجازات مذکور در همین ماده میشوند.

در صورتی که آمر از سند مجعول استفاده بکند با توجه به خاص بودن حکم این ماده، بعید است که بتوان آمر را بر اساس ماده دیگری همچون ماده ۵۳۶ تعزیرات به جرم «استفاده از سند مجعول» هم محکوم کرد.

نکته: شمول این ماده منوط به جعل گواهی پزشکی برای یکی از مقاصد خاص مذکور در ماده است؛ یعنی برای معافیت خود یا شخص دیگر از خدمت دولت یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به دادگاه، و الا مشمول این ماده نمیشود.

این جرم از جمله جرایم **مطلق** است.

#### ۱۰. صدور گواهینامه خلاف واقع:

مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ تعزیرات.

در این مواد ارائه تصدیق نامه خلاف واقع توسط پزشک یا دیگران جرم و قابل مجازات شناخته شده است. این دو مورد (علیرغم ذکر شدن در فصل پنجم راجع به جعل و تزویر) اساسا جعل محسوب نمیشوند؛ زیرا هیچ خدشه ای در اصل گواهی ها وجود ندارد بلکه آنها صرفا حاوی گزارش خلاف واقع میباشند.

(در مورد گواهی خلاف واقع تندرستی برای امر ازدواج حکم خاصی در ماده ۵ قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج ۱۳۱۷ پیش بینی شده است.)

نکته: جرم ماده ۵۳۹ تعزیرات مطلق است لکن جرم ماده ۵۴۰ تعزیرات مقید میباشند و لازم است که موجب ضرر شخص ثالثی یا خسارت بر خزانه دولت شود.

### ۱۱. شرکت در آزمون به جای دیگری یا شرکت دادن دیگری به جای خود:

ماده ۵۴۱ تعزیرات.

این مورد نیز ماهیتا جعل نمیباشد.

علیرغم وجود لفظ «و غیره» در متن ماده به نظر میرسد آزمونهای رانندگی یا آزمونهای آموزشی غیر رسمی (مثل آزمون کلاسهای تقویتی یا کلاس کنکور یا کلاس زبان و ...) یا آزمونهای گزینش قضات یا وکلا و مانند اینها از دایره شمول ماده خارج میباشند.

شرکت در آزمون منوط به آن است که آزمون عملا برگزار شده و فرد در آن یا لاقلا در بخشی از آن حضور به هم رسانده باشد.

نکته: با توجه به لزوم تفسیر مضیق نصوص جزایی، نمیتوان عوض کردن ورقه های امتحانی بین دو داوطلب را در حکم شرکت در آزمون به جای دیگری دانست.

### \*رفتار فیزیکی در جرم جعل مفادی یا معنوی:

در جعل مفادی (معنوی) هیچ گونه خدشه ای در ظاهر سند، از لحاظ اینکه آن را به طور متقلبانه بسازد یا تغییر دهد، ایجاد نمیشود.

جعل مفادی تنها از سوی کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مامورین به خدمات عمومی **در راستای انجام وظایفشان** قابل ارتکاب میباشند و نه توسط افراد عادی.

(منظور از مامورین به خدمات عمومی کسانی اند که در موسسات خیریه ای که بر حسب وقف یا وصیت تولید آنها با حاکم است یا موسسات خیریه و موسسات عام المنفعه ای که دولت یا شهرداری اداره میکند یا زیر نظر دولت اداره میشوند و یا موسسات انتفاعی دولت یا موسسات انتفاعی دیگری که زیر نظر دولت اداره میشوند خدمت میکنند.)

موارد جعل مفادی عبارتند از:

۱. تغییر موضوع یا مضمون

۲. تحریف گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی

۳. تحریف تقریرات یکی از طرفین

۴. امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل جلوه دادن

۵. چیزی را که به آن اقرار نشده است، اقرار جلوه دادن

مثال:

\* سردفتری عقد اجاره را به شکل عقد بیع منعکس کند.

\* منشی دادگاه اظهارات قاضی را به میل خود تحریف کند.

\* مامور ثبت احوال جنسیت مولود را برخلاف واقع به جای پسر، دختر بنویسد.

نکته: صرف گزارش ها و اظهارات خلاف واقع را نمیتوان جعل (اعم از مادی و معنوی) محسوب کرد.

در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ بین جعل و تزویر و گزارش خلاف واقع فرق گذاشته شده است.

سوال: آیا جعل معنوی (مفادی) با ترک فعل هم تحقق پیدا میکند؟ اختلافی است اما نظر نگارنده این است که جعل مفادی بر خلاف جعل مادی با ترک فعل هم ممکن است.

هرگاه صندوقدار یک بانک، کاغذی را در کنار دست خود بگذارد تا فهرست پولهای واریز شده توسط افراد در صندوق بانک را در آن کاغذ وارد کند ولی از وارد کردن چند فقره وجه واریز شده خودداری و مبالغ مربوطه را برای خود برداشت نماید، تنظیم فهرست مخدوش از سوی وی را نمیتوان جعل محسوب کرد؛ زیرا این سند نسبت به خود دروغی را نمیگوید.

(ماده ۱۰۴ ق.م.ج.ن.م. ارتکاب جرم جعل مفادی را از سوی نظامیان پیش بینی کرده است.)

### ب. شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم جعل:

**اول)** موضوع جعل باید سند یا نوشته و یا سایر چیزهای مذکور در قانون (مثل تمبر، منگنه، علامت، امضا و مهر) باشد.

**دوم)** جعل در چیزی قابل تصور است که خود آن ساختگی و تقلبی نباشد (حتی رویه قضایی ما معمولاً جعل در تصویر و فتوکپی را به رسمیت نشناخته است که البته به نظر میرسد اگر آن فتوکپی مصدق شده باشد، جعل در آن قابلیت پیدا میکند).

**سوم)** آن چیزی که جعل شده است باید امکان و قابلیت فریفتن افراد را داشته باشد ولو اینکه شباهتی با نمونه اصلی نداشته باشد.

(با اینکه نظرات حقوقدانان و رویه های قضایی در مورد لزوم شباهت ظاهری نمونه مجعول با اصلی، متفاوت و مشوش است لکن از نظر نگارنده اساس جرم جعل، ساختن چیزی است که به موجب آن بتوان افراد را فریفت؛ لذا امکان به اشتباه انداختن یا مشتبه کردن است که اساس و پایه جعل را تشکیل میدهد و نه شبیه بودن. بدین ترتیب اگر کسی صفحه مربوط به امضای مسئول اداره گذرنامه را در یک جلد گذرنامه به جای او امضا کند، مرتکب جعل امضا خواهد شد، هرچند که امضای گذاشته شده بر روی گذرنامه شباهتی به امضای مسئول آن نداشته باشد.)

نکته: حتی در چیزهای مشهور؛ مثل سکه و اسکناس و نشان دولتی و امثال آن هم ضابطه اصلی «امکان به اشتباه انداختن» است، نه شبیه بودن. لکن در آن موارد، با توجه به مشهور بودن آنها، این دو ضابطه بر یکدیگر منطبق میشوند.

سوال: فرض کنید زوج در سند ازدواج کلیه شرایطی که به عنوان شرایط ضمن عقد آمده است، به جز یکی از آنها را امضا کند. سپس زوجه آن یک شرط را هم با امضایی کاملاً متفاوت از بقیه امضاها امضا نماید. آیا میتوان به دلیل این اختلاف در امضاها، جعل امضا از سوی زوجه را منتفی دانست؟ خیر منتفی نیست. تا وقتی امکان به اشتباه انداختن افراد وجود داشته باشد جعل هم صادق است (البته نظر مخالف هم وجود دارد).

**چهارم)** موضوع جعل (سند و نوشته) باید ماهیتاً ساختگی و تقلبی باشد و صرف اینکه حاوی اطلاعات دروغ است، کفایت نمیکند (بنابراین کسی که در پرسشنامه استخدامی، خود را به جای کارشناس، کارشناس ارشد معرفی کند مرتکب جعل نشده است اما کسی که در مدرک کارشناسی صادره از دانشگاه واژه «ارشد» را به دنبال کلمه «کارشناسی» می‌افزاید، مرتکب جعل میگردد).

ارائه اطلاعات کذب هرچند به صورت کتبی، جعل محسوب نمیشود (شاید به همین دلیل مقنن در ماده ۵۳۹ تعزیرات که راجع به صدور گواهینامه خلاف واقع از سوی پزشک میباشد و ماده ۵۴۰ تعزیرات که راجع به صدور سایر گواهینامه‌های خلاف واقع میباشد، عنوان جعل را به کار نبرده است).

چند مصداق از مواردی که جعل محسوب نمیشوند:

۱. طرفین قرارداد بیع که با تبانی با یکدیگر شرایط بیع (مثلاً میزان ثمن یا شیوه پرداخت) را به طور متقابلانه و دروغ در سند قید یا به کارمند دفتر اسناد رسمی اعلام میکنند.

۲. موصی ای که وصیتنامه دستنویس خود را تغییر داده و نام یکی از موصی لهم را حذف میکند.

۳. صندوقدار بانکی که در فهرستی که برای خود تنظیم کرده است، برخی از وجوه را وارد نمیکند یا پس از وارد کردن آن فقرات را پاک کرده و آن وجوه را تصاحب میکند.

۴. صادر کننده چکی که تاریخ چک را پس از صدور عوض کرده و یا در هنگام صدور، تاریخ مقدم یا مؤخر بر روی چک میگذارد.

۵. کسی که بدون داشتن اختیار از سوی دیگری، نامه ای را که به نام اوست «از طرف او» امضا میکند.

۶. متهمی که در حین بازرسی به طور کتبی یا شفاهی به دروغ خود را بی گناه اعلام میدارد.

به نظر نگارنده صرف وارونه جلوه دادن مفاد یک سند برای یک فرد فاقد سواد (مثلاً اجاره قلمداد کردن یک مبیعه نامه) و گرفتن امضا از وی ذیل سند را نمیتوان جعل دانست.

چند مصداق از مواردی که جعل محسوب میشوند:

۱. بایعی که پس از انعقاد عقد بیع و امضای مبیعه نامه از سوی بایع و مشتری، بدون اطلاع مشتری، در متن قرارداد دست میبرد.

۲. مامور دفتر خانه ای که شرایط معامله را به گونه ای غیر از آنچه که متعاملین اعلام کرده اند در سند وارد میکند.

۳. پدری که به جای مامور ثبت احوال برای فرزندش شناسنامه ساختگی درست میکند.

۴. موصی لاهی که نام موصی له دیگر را از وصیتنامه موصی حذف میکند.

۵. صندوقدار بانکی که پس از امضای فهرست وجوه واریز شده توسط افراد از سوی رییس شعبه، در آن دست برده و برخی از فقرات وارده را حذف میکند.

۶. دارنده چکی که تاریخ چک صادره از سوی صادر کننده را عوض میکند.

۷. کسی که به جای دیگری ذیل سندی را که به نام دیگری است، هر چند با امضایی کاملاً مطابق امضای واقعی خود، امضا میکند.

۸. بازپرس یا دادیاری که اظهار متهم مبنی بر قبول نداشتن اتهام، آن را به گونه ای مینویسد که اقرار متهم را به ارتکاب جرم نشان میدهد.

(اگر این موارد را با یکدیگر مقایسه کنیم در می یابیم که در همه موارد دسته اول صرفاً اطلاعات دروغ و نادرست ارائه شده است، در حالیکه در موارد دسته دوم خدشه در اصل و ماهیت سند وجود دارد. به عبارت دیگر، اسناد و نوشته های دسته اخیر به فردی غیر از کسی که واقعا آنها را ساخته یا نوشته، منتسب شده است.)

دو رای از دیوان عالی کشور:

\*رای شماره ۶۰۳ مورخ ۱۳۱۹/۲/۱۳:

«اگر کسی چیزی برای تعمیر نزد تعمیرکار ببرد و مشار الیه از پس دادن آن امتناع کند و رسیدی به خط و امضای خود ارائه دهد و بگوید: «این همان رسیدی است که موقع آوردن جنس برای تعمیر به او دادم و اینک در دست من است و دلیل بر آن است که جنس را به او رد کرده ام.» این عمل فقط اظهاری خلاف واقع است نه جعل. همچنین عمل امتناع از رد جنس نیز خیانت در امانت به شمار می رود.»

\*رای شماره ۲۱۲۴ مورخ ۱۳۱۷/۹/۳۰:

دیوانعالی در این رای عمل کسی را که پس از تسویه حساب و نوشتن ترک دعوی با دیگری دوباره به او بدهکار میشود و در موقع نوشتن قبض بدهی به او تاریخ آن را مقدم بر تاریخ ترک دعوی قید میکند تا طلب وی را از بین ببرد، جعل ندانسته بلکه آن را شروع به کلاهبرداری محسوب کرده است.

سوال: آیا تغییر نمره امتحان میتواند جعل محسوب گردد؟ تغییر نمره امتحان در صورتی میتواند جعل باشد که کسی غیر از معلم مربوطه این کار را بکند یا اگر همان معلم بوده، پس از تایید آن نمره توسط شخص ثالث و امضای آنها صورت گیرد.

### ج. نتیجه مجرمانه:

وجود ضرر بالقوه برای تحقق جرم جعل ضروری است (که باید بین آن و عمل مادی فیزیکی در جرم جعل رابطه سببیت وجود داشته باشد.)

سوال: آیا وجود خارجی نداشتن شخصی که سند به نام او ساخته شده است باعث خروج عمل از عنوان جعل خواهد بود یا خیر؟ دیوانعالی در برخی آراء به این سوال پاسخ مثبت داده است (مانند رای شماره ۲۵۷۴ مورخ ۱۳۱۹/۸/۲۵). اما نگارنده معتقد است در جرم جعل **لازم نیست** شخصی که سند به نام او ساخته شده وجود خارجی داشته باشد؛ زیرا در جعل، ورود ضرر حتماً لازم نیست که



نسبت به کسی باشد که سند با نام او ساخته شده است (لکن ورود ضرر بالقوه به غیر، اعم از دولت یا شخص حقیقی یا حقوقی دیگر، باید احراز گردد).

دو نکته:

اول) ضرر در جرم **جعل** بر خلاف جرایم علیه اموال، لزوماً ضرر مادی نیست؛ بلکه **ضرر معنوی** نیز کفایت میکند. همچنین اگر ضرر وارده به این شکل باشد که فرد، با این کار خود بخواهد آثار جرم دیگری را پاک کند، جرم جعل با وجود سایر شرایط، محقق است.

دوم) ضرر در جعل به صورت **عدم النفع** نیز کافی است مشروط به اینکه منشأ نفع، مشروع و حصول آن مسلم باشد (و عدم النفع احتمالی را شامل نمیشود).

### شروع به جرم جعل و تزویر:

در مورد جعل و تزویر، ماده ۵۴۲ تعزیرات، مجازات شروع به آن را حداقل مجازات تعیین شده در هر مورد دانسته است. علیرغم خاص بودن حکم مذکور در این ماده نسبت به حکم ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از نظر نگارنده مقنن قصد داشته است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای تمامی موارد شروع به جرم در قوانین مختلف، حکم واحدی را که در ماده ۱۲۲ آمده است پیش بینی نماید؛ بنابراین در حال حاضر حکم شروع به جرایم مذکور در مواد ۵۲۴ الی ۵۴۱ تعزیرات را هم باید در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یافت (البته قول خلاف هم وجود دارد).

همین حکم در مورد جعل و تزویرهای مذکور در سایر قوانین خاص مانند قانون ثبت اسناد و املاک جاری است.

بهترین مثال برای شروع به جعل و تزویر آن است که مرتکب، اعمال متقلبانه را بر روی سند یا نوشته و یا چیز دیگر انجام داده ولی هنوز تمام نکرده باشد.

تحقق شروع به استفاده از سند مجعول چندان قابل تصور نیست (یا عمل انجام شده ارتباط نزدیک و بی واسطه با استفاده از سند نداشته و در نتیجه از مقدمات بعیده محسوب میشود و یا اینکه جرم تام استفاده به محض ارائه سند یا استناد به آن به وقوع میپیوندد).

### عنصر روانی جرم جعل:

مقنن در انتهای ماده ۵۲۳ تعزیرات که به بیان مصادیق جعل پرداخته، قید «به قصد تقلب» را آورده است.

(عنصر روانی: ۱. سوءنیت عام: عمد در ساختن یا تغییر دادن سند ۲. سوءنیت خاص: قصد فریب دادن دیگران و اضرار به غیر)

نکته: منتفع شدن یا قصد منتفع شدن شخص جاعل ضرورت ندارد.

در جعل بر خلاف کلاهبرداری، قصد انتفاع، چه برای شخص جاعل و چه برای شخص ثالث، اساساً ضرورتی ندارد و همین که جاعل قصد ایراد ضرر، اعم از مادی یا معنوی به قربانی را داشته باشد کفایت میکند.

نکته: انگیزه و داعی در مسئولیت کیفری جاعل مؤثر نیست.

نیت مجرمانه باید در لحظه ارتکاب جعل وجود داشته باشد تا شرط «تقارن عنصر مادی با عنصر معنوی» محقق گردد.

هرگاه کسی سندی را که به نام دیگری است به تصور اینکه به نام خود اوست و با حسن نیت امضا کرده و سپس از آن به عنوان سند امضا شده توسط دیگری استفاده کند، هر چند که امضا کردن وی را نمیتوان جعل دانست لیکن استفاده بعدی از آن میتواند استفاده از سند مجعول تلقی شود زیرا در هر حال امضای روی سند مذکور غیر واقعی بوده است.

### جرم جعل در قوانین متفرقه:

۱. جعل ارتكابی از سوی مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک

۲. جعل ارتكابی در اسناد سجلی

۳. جعل و تزویر ارتكابی از سوی نظامیان

۴. جعل تمبر و نقش تمبر

۵. جعل کالابریگ (کوپن)

۶. جعل چک های تضمین شده

۷. جعل گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور

۸. ارتكاب جعل توسط کارشناس

۹. ذکر تاریخ مقدم توسط ظهرویس

۱۰. جعل و تزویر در انتخابات

۱۱. جعل رایانه ای (الکترونیک)

نکته: از حیث میزان مجازات، برخورد مقنن با جعل رایانه ای ملایم تر از برخورد با جعل سنتی بوده است.

نکته: قانون جرایم رایانه ای ۱۳۸۸ در زمینه جرم جعل، مکمل قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ میباشد.

نکته: در جعل رایانه ای هم مانند جعل سنتی امکان ارتكاب جعل معنوی یا مفادی هم وجود دارد.

نکته: در مورد جعل رایانه ای، ماده ۱۳۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ نیز قابل ذکر است.

### استفاده از سند مجعول:

قانونگذار تقریباً در همه موارد، مجازات استفاده از سند مجعول را همان مجازات جعل تعیین کرده است.

نکته: مراد از استفاده، فایده عملی بردن از سند مجعول نیست لذا همین که کسی برگه جعلی معاینه اتومبیل را به پلیسراه ارائه دهد، مرتکب جرم استفاده از سند مجعول میشود، اگرچه افسر پلیسراه یا قاضی دادگاه و یا مامور نیروی انتظامی با آگاهی یافتن نسبت به جعلی بودن مدارک، به آنها ترتیب اثر ندهد.

برای تحقق این جرم سه شرط لازم است:

۱. اینکه ماهیت جعلی سند یا نوشته و غیره باید احراز شود.

۲. اینکه مرتکب برخوردار از عنصر روانی باشد.

۳. اینکه احتمال و قابلیت ورود ضرر وجود داشته باشد.

هرگاه کسی سندی را علیه شخص موهوم یا مرده ای بسازد، و احتمال ورود هیچ ضرری از ساختن آن سند یا استفاده از آن به اشخاص زنده متصور نباشد، حکم به ارتکاب جعل یا استفاده از سند مجعول ممکن نخواهد بود.

نکته: جرم استفاده از سند مجعول بر خلاف کلاهبرداری که در آن باید انسانی فریب بخورد (که در نتیجه انداختن یک سکه تقلبی به درون دستگاه و اخذ مواد خوراکی کلاهبرداری محسوب نمیشود) در جرم استفاده از سند مجعول، این کار میتواند روی یک دستگاه یا یک ماشین هم رخ دهد. بنابراین کسی که از کارت اعتباری یا کارت تلفن جعلی استفاده میکند، به جرم استفاده از سند مجعول محکوم میشود.

نکته: قانون تعزیرات و سایر قوانین در برخی موارد، وارد کردن اشیاء مجعول را به داخل کشور در کنار جعل و استفاده از سند مجعول ذکر کرده و همان مجازات را برای این کار تعیین کرده است (ماده ۵۲۶ تعزیرات) لکن در برخی موارد مجازات آنها تفاوت دارد (ماده ۵۳۵ تعزیرات).

### تکرار و تعدد در جرایم جعل و استفاده از سند مجعول:

تعدد یا تکرار ارتکاب هرکدام از جرم جعل یا استفاده از سند مجعول میتواند بر اساس مواد ۱۳۱ و ۱۳۴ و ۱۳۷ ق.م.ا. ۹۲ موجب تشدید مجازات شود.

نکته: صرف وحدت هدف باعث نمیشود که جعل در اسناد مختلف و متعدد را جعل واحد محسوب کنیم.

نکته: هرگاه کسی در چند جای سند یا نوشته واحدی تغییر بدهد، به نظر میرسد تنها مرتکب یک جرم جعل شده است.

نکته: اینکه مرتکب با ارتکاب جعل قصد کلاهبرداری یا اختلاس یا استفاده از سند مجعول یا جرم دیگری را داشته است باعث نمیشود که وی را تنها به ارتکاب آن جرایم غایبی محکوم کرده و از ارتکاب جرم جعل مبری باشد.

اگر بوسیله جعل سند یک کلاهبرداری واقع گردد، از موارد تعدد جرم است (رای شماره ۱۳۹ مورخ ۱۳۱۷/۱/۲۷ شعبه دوم دیوانعالی کشور).

جرایم جعل و استفاده از سند مجعول یا جعل و کلاهبرداری از باب تعدد مادی و دو جرم استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری از باب تعدد معنوی قابل تعقیب خواهد بود.

در حال حاضر ماده ۱۳۴ ق.م.ا. ۹۲ حکم تعدد همه جرایم تعزیری را یکسان تعیین کرده و در واقع همه جرایم تعزیری را مشابه فرض نموده است و مثلاً فرقی بین کسی که دو فقره جعل مرتکب میشود با کسی که یک فقره جعل و یک فقره کلاهبرداری مرتکب شده قائل نشده است.

نکته: در صورتی میتوان مرتکب را هم به ارتکاب جرم جعل و هم به استفاده از سند مجعول محکوم کرد که وی در واقع دو فعل متفاوت مرتکب شده باشد لذا هرگاه کسی با مراجعه به اداره پست یا بانک، رسید حواله ای را که به نام دیگری است امضا کرده و مبلغ

حواله را دریافت نماید یا با مراجعه به اداره نظام وظیفه، ضمن برگه ای که به نام دیگری است، برگه پایان خدمت او را بگیرد، ظاهراً باید وی را تنها به ارتکاب جرم جعل محکوم کرد؛ زیرا فقط یک فعل از او سر زده است.

نکته: جرم جعل و استفاده از سند مجعول یک جرم **آنی** محسوب میشود.

## فصل سوم: قلب سکه و ترویج سکه قلب

مقدمه:

قانون تعزیرات ۱۳۷۵ پنج ماده از فصل چهارم خود را به تهیه و ترویج سکه قلب اختصاص داده است.

### ساختن سکه قلب:

منظور از ساختن سکه قلبی آن است که مرتکب با تهیه کردن مقداری از فلزاتی که در مسکوکات اصلی به کار رفته اند و فراهم آوردن وسایل و ابزار لازم، دست به سکه سازی بزند (معمولاً کسی که این کار را میکند از این جهت سود میبرد که عیار یا وزن سکه ساخته شده از عیار یا وزن سکه های واقعی کمتر است لکن نکته مهم اینجاست که اگر چنین چیزی نباشد و حتی برعکس، وزن یا عیار سکه های قلبی ساخته شده بیشتر یا مساوی سکه های واقعی باشد، باز هم جرم قلب سکه تحقق یافته است؛ چون این جرم از زمره جرایم علیه آسایش عمومی است نه جرایم علیه اموال).

شرط تحقق جرم ساختن سکه قلب آن است که سکه ساخته شده شبیه سکه اصلی باشد. در صورت عدم شباهت، این جرم محقق نمیشود. البته شباهت ظاهری که **بیننده عادی** را در نگاه اول به اشتباه بیندازد کافی است؛ بنابراین امکان یا احتمال به اشتباه افتادن اشخاص عادی، برای تحقق جرم قلب سکه ضروری است.

قانون تعزیرات بر اساس جنس سکه قلبی در دو ماده ۵۱۸ و ۵۲۰ به جرم ساختن سکه قلب پرداخته است.

### ۱. ساختن سکه قلبی طلا و نقره:

ماده ۵۱۸ تعزیرات.

منظور از «مورد معامله واقع شدن» **رواج نسبی** داشتن است. به عبارت دیگر این مسکوکات باید به سهولت در بازار دست به دست شوند.

سکه های طلا و نقره بسیار قدیمی فاقد چنین ویژگی هستند و برای خرید و فروش و نیز تعیین قیمت آنها باید به فرد خاصی (مثل عتیقه فروش) مراجعه کرد. بنابراین ساختن قلبی این سکه ها و فروش آنها به عنوان اصل، تنها میتواند تحت عنوان کلاهبرداری (و نه قلب سکه) قابل تعقیب باشد.

مقنن در ماده ۵۱۸ تعزیرات حمایت خود را شامل سکه های طلا و نقره سایر کشورها هم نموده است. البته به نظر میرسد که شرط «مورد معامله قرار گرفتن» در بازار ایران ملاک باشد.

### ۲. ساختن سکه قلبی غیر طلا و نقره:

ماده ۵۲۰ تعزیرات.

این حمایت شامل سکه هایی که رواج ندارند یا از رواج افتاده اند نمیشود.

نکته: منظور از رایج بودن در اینجا، قابلیت مورد معامله واقع شدن **نیست** بلکه منظور آن است که سکه ساخته شده پول قانونی یک کشور باشد.

### مخدوش کردن سکه طلا و نقره:

ماده ۵۱۹ تعزیرات.

منظور از مخدوش کردن سکه آن است که کسی مقداری از فلز گرانبهای موجود در سکه را جدا کند تا فلز جدا شده را مورد استفاده قرار دهد یا بفروشد.

کسی که با تراشیدن دندانان عدد ۲ در یک سکه ۲۰۰ ریالی و افزودن یک صفر در مقابل آن، سکه مذکور را به شکل یک سکه ۱۰۰۰ ریالی درآورد، اگر کار او را نوعی ساختن سکه ۱۰۰۰ ریالی حساب کنیم، وی مرتکب قلب سکه شده است.

دو نیم کردن سکه بهار آزادی، مخدوش کردن سکه محسوب نمیشود.

هرچند از ماده ۵۱۸ تعزیرات اینطور برداشت میشود که مخدوش کردن هر سکه طلا و نقره داخلی یا خارجی (اعم از اینکه مورد معامله واقع بشود یا اینکه صرفاً جنبه عتیقه داشته باشد) میتواند مشمول ماده قرار گیرد، **لکن** نظر نگارنده این است که این شرط در هر دو مورد ساختن و تخدیش وجود دارد و سکه هایی که رواج نسبی نداشته و صرفاً جنبه عتیقه دارند نباید موضوع مقررات راجع به قلب سکه باشند، بلکه باید مشمول مقرراتی مثل کلاهبرداری، حیله و تقلب در کسب و تجارت و احیاناً تخریب میراث فرهنگی قرار گیرند.

### ترویج یا خرید و فروش سکه قلب یا مخدوش:

منظور از ترویج آن است که کسی با علم به فساد سکه، آن را به جریان اندازد و به دیگری بدهد یا داخل دستگاه فروش مواد خوراکی بیاندازد یا اینکه به شخص فقیری بدهد.

به نظر میرسد که اعمالی مثل صرف پشت ویتترین نهادن سکه قلب یا مخدوش یا گذاشتن آن در صندوق امانات بانک یا نزد فرد دیگر را نتوان ترویج دانست.

ترویج کننده، لزوماً سازنده یا مخدوش کننده نیست و در صورتی که هر دو عنوان بر یک نفر صادق باشد، احکام تعدد مادی جرم بر او بار میشود. در صورت اخذ مابه ازای در مقابل سکه تقلبی یا مخدوش، عنوان کلاهبرداری با عنوان ترویج، تشکیل تعدد معنوی را خواهند داد و در نتیجه به موجب ماده ۱۳۱ ق.م.ا. ۹۲، مجازات عنوان اشد بر مرتکب بار میشود.

مخدوش کردن یک سکه قلب یا مخدوش کردن مجدد یک سکه مخدوش باعث تحقق جرم تخدیش نمیشود و تحقق این جرم تنها در سکه های سالم قابل تصور است.

### داخل کردن سکه قلب یا مخدوش به کشور:

این جرم در هر سه ماده ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ مورد اشاره قرار گرفته است.

## تخفیف یا معافیت از مجازات برای جاعلین و متقلبین:

مواد ۵۲۱ (قلب سکه) و ۵۳۱ (جعل) تعزیرات.

در ماده ۵۲۱ تعزیرات اعمال معافیت و تخفیف به پیشنهاد رییس حوزه قضایی (دادستان کنونی) و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه راسا ممکن دانسته شده است.

مقنن مجرمی را مستحق معافیت یا تخفیف دانسته است که قبل از کشف قضیه، ماموران تعقیب را از ارتکاب جرم آگاه نماید یا در ضمن تعقیب، بواسطه اقرار خود، موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورده یا مامورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کند.

شخص مجرم در حالت همکاری بدون توبه، فقط از مجازات حبس و در حالت همکاری با توبه، از تمام مجازاتها معاف میشود.

منظور مقنن از ذکر عبارت «کلیه مجازاتهای مذکور» آن بوده است که علاوه بر مجازات حبس به مجازاتهای تبعی و تکمیلی یا مجازات مذکور در ماده ۵۲۲ تعزیرات اشاره کند؛ یعنی اینکه در حالت توبه، مجرم از این مجازاتها نیز، علاوه بر مجازاتهای حبس مذکور در سه ماده (۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰)، معاف میشود؛ زیرا برای جرم قلب سکه و مخدوش کردن و ... فقط مجازات حبس تعیین شده و مجازات دیگری در نظر گرفته نشده است.

البته برداشت دیگری که میتوان کرد این است که بگوئیم اعطای معافیت یا تخفیف به مجرم به خاطر همکاری وی در حالت عدم توبه بسته به تشخیص دادگاه است، ولی در حالت توبه دادگاه ملزم میباشد که به صرف احراز توبه، مجرم را از تحمل مجازات معاف نماید.

برای استفاده از تخفیف یا معافیت، باید مجرم قبل از تعقیب، مراتب ارتکاب جرم را به دولت اطلاع داده و همدستان خود را در صورت وجود، معرفی نماید. در صورتی که تعقیب آغاز شده باشد وی میتواند با فراهم نمودن وسایل دستگیری آنها، از تخفیف یا معافیت برخوردار شود.

(برای استفاده از تخفیف یا معافیت بعد از تعقیب، همکاری و ارائه اطلاعات داده شده از سوی مجرم باید باعث شود که همدستان مجرم عملاً دستگیر شوند. ۹)

در مورد تمام جرایم تعزیری، توجه به ماده ۱۱۵ ق.ا.م. ۹۲ ضروری است که به مساله توبه در جرایم تعزیری پرداخته است.

## ضبط اموال تحصیلی به نفع دولت:

ماده ۵۲۲ تعزیرات.

## عنصر روانی جرم قلب سکه:

عنصر روانی در جرم قلب سکه عبارت است از:

۱. سوءنیت عام: عمد در قلب یا تخدیش یا ترویج و یا داخل کردن به کشور

۲. سوءنیت خاص: قصد تقلب و ضرر به دیگران

در ضمن، انگیزه در مسئولیت کیفری موثر نیست و کسی که به انگیزه های شرافتمندانه، مرتکب هر جرمی (از جمله قلب سکه) میشود حداکثر میتواند به استناد بند پ ماده ۳۸ ق.ا.م. ۹۲ از تخفیف مجازات بهره مند شود.

نکته: قصد تقاص یا خودیاری نیز رافع مسئولیت کیفری نیست.

هرگاه قلب سکه به قصد خاص ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام صورت گیرد، در صورتی که در حد افساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام، و در غیر این صورت به حبس میشود (مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹).

### معاونت در قلب و مخدوش کردن سکه، جعل و تزویر و استفاده از سند مجعول:

معاونت باید هم زمان با عمل مباشر یا قبل از آن انجام گیرد (بنابراین، کسی که بعد از وقوع جرم، مباشر یا وسایل ارتکاب جرم را پنهان کرده و بدین طریق مانع کشف حقیقت از سوی مامورین کشف جرم میشود، معاون جرم محسوب نمیشود).

از نظر عنصر روانی، معاون باید دارای همان سوءنیت عام و خاص لازم برای مباشر باشد.

برای مشخص کردن مجازات معاونت در این جرایم (علیرغم اینکه مجازات خاص برای آنها تعیین شده بود) باید به ماده ۱۲۷ ق.ا.م. ۹۲ مراجعه کرد.

مطابق رای شماره ۶۱۸ مورخ ۱۳۲۴/۴/۱۲ شعبه دوم دیوانعالی کشور «اگر کسی در صدد تغییر تاریخ تولد فرزندش در شناسنامه خود بوده و از لحاظ این که سواد نداشته [این کار را] به وسیله شخص دیگری انجام دهد، در حقیقت خود او جاعل محسوب است و نویسنده در این مورد هیچ گونه داعی و غرضی برای اصل عمل نداشته و نباید مجرم اصلی شناخته شود» **لکن** نگارنده با این نظر مخالف و معتقد است که در هر حال کسی که **عمل فیزیکی جرم** را با برخورداری از سوءنیت انجام میدهد باید مباشر جرم محسوب شود.

### اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قلب سکه:

ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹.

## فصل چهارم: رشا و ارتشا

### مقدمه:

رشوه دادن (رشا) و رشوه گرفتن (ارتشا) از زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی میباشد.

### رشا و ارتشا در قوانین فعلی ایران:

رشا به معنی دادن وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال به ماموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون یا انجام معامله با بهای غیر واقعی با آنها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آنها و **ارتشا** به معنی اخذ وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از سوی ماموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در

قانون یا انجام معامله با بهای غیر واقعی از سوی آنها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آنها میباشد.

ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ به ارتشا و مواد ۵۸۸ و ۵۹۴ تعزیرات به رشا و ارتشا پرداخته است. مواد قانون تعزیرات نسخ ماده ۳ قانون مذکور نیست و هدف از تصویب آنها اولا تعیین مجازات برای راشی و ثانيا تسری مجازات ارتشا به برخی از اشخاص غیر مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و ثالثا پیش بینی پاره ای از مقررات متفرقه (مثلا راجع به شروع به ارتشا و نظایر آن) بوده است.

نکته: این جرایم غیر قابل گذشت هستند.

در جواب به این سوال که آیا میتوان ماده ۴۷ ق.ا.م. ۹۲ را شامل رشا و ارتشا دانست یا خیر؟ باید گفت اگر بتوان آنها را از مصادیق جرایم اقتصادی (بند ج ماده ۴۷) بدانیم، پاسخ مثبت است.

### عنصر مادی در جرایم رشا و ارتشا:

عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرایم رشا و ارتشا، فعل مثبت و عبارت از «دادن» یا «قبول کردن» وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال و نیز «انجام معامله» با مبلغ غیر واقعی است.

سوال: آیا صرف وعده و قراری که بین شخصی به عنوان راشی و دیگری به عنوان مرتشی گذاشته میشود کافی است یا تسلیم و تسلیم مال یا وجه ضرورت دارد؟ جواب: برای تحقق جرم تام رشا و ارتشا تسلیم و تسلیم وجه ضروری است.

ماده ۵۹۰ تعزیرات، انجام معاملات به بهای غیر واقعی را نیز در حکم رشا و ارتشا دانسته است. تحقق جرم منوط به آن است که عملا انتقال مالکیت صورت بگیرد والا اگر معامله انجام شده به دلیل وجود یکی از موانع صحت معاملات در آن، مثلا موجود نبودن مبیع در بیع عین معین، یا وجود شرط خلاف مقتضای عقد در آن، یا مالک نبودن انتقال دهنده و یا هر دلیل دیگری، باطل و کان لم یکن محسوب گردد، حداکثر میتوان حکم به تحقق شروع به جرم داد.

هرچند در دادن مال یا وجه برای تحقق جرم رشا یا ارتشا مالکیت راشی نسبت به مالی که به عنوان رشوه میدهد شرط نیست و اگر راشی مال مسروقه را هم به عنوان رشوه بدهد از مصادیق رشا میباید لکن در صورت انجام معامله، حتما باید معامله صحیح باشد به گونه ای که انتقال مالکیت صورت گیرد.

دادن یا گرفتن وجه، مال یا سند و نیز انجام معامله صوری میتواند به صورت غیر مستقیم (مثلا به واسطه همسر یا فرزند راشی یا مرتشی و یا هر شخص ثالثی) نیز انجام گیرد.

این جرایم از نظر جزء سوم عنصر مادی (نتیجه) مطلق است و نیاز به تحقق نتیجه خاصی نمیباشد. در مورد جزء دوم عنصر مادی (مجموعه شرایط و اوضاع و احوال) میتوان به چند شرط اشاره کرد:

۱. مرتشی (رشوه گیرنده) از زمره کارکنان دولت مذکور در ماده ۳ قانون تشدید... باشد.

۲. آن چه داده و گرفته میشود جنبه مالی داشته باشد؛ بنابر این هرگاه کارمند در عوض مقاله ای که در تمجید از او در روزنامه چاپ میگردد یا نمره قبولی که به او داده میشود یا دیگری با او ازدواج میکند، کاری را انجام دهد یا از انجام آن خودداری کند، مرتشی نیست.



سوال: حکم دادن وام قرض الحسنه به کارمند یا بخشیدن بدهی او یا پذیرش او به سینما بدون خرید بلیط، در مقابل انجام یا عدم انجام کاری از سوی او چه می‌باشد؟ جواب: پاسخ آسان نیست؛ شاید بتوان از به کار رفته شدن قید «غیر مستقیم» در مواد قانون استفاده کرده و لاقلاً برخی موارد فوق را تحت شمول جرایم رشا و ارتشا قرار داد (از جمله مواردی همچون چاپ آگهی یا ثبت نام در مدرسه بدون اخذ وجه، نگرفتن کرایه تاکسی، بخشیده شدن بدهی و پذیرفته شدن در سینما و ... بدون پرداخت وجه بلیط).

۳. نوعی توافق (هرچند ظاهری) بین راشی و مرتشی وجود داشته باشد.

نکته: اگر متهم به اخذ رشوه به علل غیر شخصی از جرم انتسابی برائت حاصل کند (مثلاً جنبه مالی نداشتن چیزی که داده شده) محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجیه نخواهد بود.

(به نظر می‌رسد که هرگاه مال ارزش بسیار کمی داشته باشد، به طوری که نتوان آن را نسبت به کار مورد انتظار، اغوا کننده دانست، نمیتوان احکام کیفری راجع به رشا و ارتشا را در چنین موردی اعمال کرد؛ مثل اینکه ارباب رجوعی مشتی پسته یا یک جعبه شیرینی یا امثال آن را به کارمند دولت بدهد.)

نکته: پنهانی بودن عمل دادن یا گرفتن مال از جمله شرایط جرایم رشا و ارتشا نمی‌باشد

۴. باید اخذ یا اعطای مال یا انجام معامله صوری برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمانهای مذکور در ماده ۳ قانون تشدید... انجام گرفته باشد، اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مامور دیگری در آن سازمان باشد.

(همینکه کار جزء وظایف سازمان محل اشتغال کارمند باشد (حتی اگر وظیفه سازمانی مستقیم او نباشد) کفایت میکند.)

سوال: آیا پرداخت پول به یک مامور دولت برای بازداشتن وی از انجام یک کار غیرقانونی علیه فرد را میتوان رشا یا ارتشا دانست؛ مثل اینکه یک افسر راهنمایی و رانندگی برای خودداری از صدور ناهق برگه جریمه علیه راننده ای از او پول بگیرد؟ جواب: در اینجا جرم تحقق یافته است لکن شخص راشی به استناد ماده ۵۹۱ تعزیرات از تعقیب کیفری معاف است.

نکته: انجام دادن یا ندادن کاری که بابت آن رشوه داده شده در تحقق جرم موثر نیست.

رای شماره ۲۱۷۰ از شعبه پنجم دیوانعالی کشور: «دادن مبلغی به کارمند دولت به رسم انعام، در حالیکه کارمند مزبور هیچ نوع مداخله ای در کار نداشته (بدون تقاضای انجام امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف او به شمار می آید) رشوه محسوب نمیشود.»

### شروع به ارتکاب رشا و ارتشا:

در قانون تشدید... و قانون تعزیرات حکمی راجع به شروع به رشا یافت نمیشود لکن شروع به **ارتشا** در تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید... و نیز در ماده ۵۹۴ تعزیرات پیش بینی و در هر دو مورد «**حداقل مجازات مقرر**» در جرم تام برای شروع کننده در نظر گرفته شده است. به علاوه طبق تبصره ۳ مذکور در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد، مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد. **البته** از نظر نگارنده این خلاف قواعد حقوقی است؛ لذا در صورت تحقق شروع به جرم در ما نحن فیه به همراه تحقق جرم خاص، باید احکام تعدد معنوی اجرا شود و تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید... را هم اینگونه تفسیر کرد که منظور از عبارت «در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد» اشاره به این است که **اعمال مقدماتی** انجام شده عنوان مجرمانه خاص داشته باشد و نه همان فعلی است که در عین حال شروع به جرم هم می‌باشد؛ لذا باید در مواردی که عمل انجام یافته از سوی مرتشی

عنوان مجرمانه خاصی ندارد وی را به تحمل مجازات مقرر برای شروع به جرم ارتشا و در مواردی که اعمال انجام شده از سوی او عنوان مجرمانه خاصی دارد، وی را بر اساس ماده ۱۳۱ق.م.ا. ۹۲ مشمول مقررات **تعدد معنوی** بدانیم. برای مثال هرگاه کارمند دولت جهت قانع کردن ارباب رجوع نسبت به دادن رشوه به وی، با جعل سند، خود را فرد ذی نفوذی وانمود کرده باشد ولی در حین قبض و اقباض رشوه دستگیر شود، او را میتوان هم به مجازات جعل و هم به مجازات شروع به ارتشا محکوم کرد اما هرگاه خود عمل شروع به ارتشا در عین حال جرم دیگری هم باشد، جمع دو مجازات ممکن نیست.

نکته: با توجه به اینکه قانون تشدید... مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام میباشد، باید مفاد تبصره ۳ ماده ۳ آن را در مورد شروع به جرم **ارتشا** مجری دانست ولی در مورد شروع به **رتشا** بر اساس مفاد ماده ۱۲۲ق.م.ا. ۹۲ عمل نمود.

در مواردی که در اصل ارتشا، انفصال دائم پیش بینی شده است در شروع به ارتشا به جای آن سه سال انفصال تعیین میشود.

در مواردی که یکی از مجازاتهایی که باید همراه با مجازات حبس بر مرتکب تحمیل شود حداکثر ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده است، شاید حداقل مجازات را بتوان یک ضربه شلاق دانست.

سوال: آیا اساساً شروع به ارتشا قابل تصور میباشد؟ آری قابل تصور است و از جمله مصادیق آن عبارتند از:

\*در حین قبض و اقباض مال دستگیر شوند

\*مالی که راشی برای مرتشی پست کرده به دست پلیس بیفتد

\*معامله ای که بین طرفین با بهای غیر واقعی انجام شده باطل بوده باشد

نکته: نمیتوان گفت که به محض دادن مال ولو آن که طرف مقابل مال را نپذیرد و رد کند، عنوان راشی برای دهنده محقق میشود؛ زیرا «دادن» مال در صورتی به وقوع میپیوندد که «گرفتنی» در کار باشد.

### عنصر روانی در جرایم رشا و ارتشا:

نخست اینکه راشی و مرتشی از سمت مرتشی به عنوان کارمند دولت مطلع باشند.

دوم اینکه مرتکب باید بداند که وجه یا مال یا سند در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان متبوع گیرنده آن است داده میشود.

نکته: اگر کارمند قد نداشته باشد که کار مورد انتظار را انجام دهد، صرف اینکه مال را به این بهانه میگیرد کافی است (ولی اگر اساساً مال را به بهانه دیگری بگیرد مرتشی محسوب نمیشود).

### مجازات جرم ارتشا در حقوق ایران:

ماده ۳قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری برای مرتشی مجازاتهای حبس، جزای نقدی، شلاق و انفصال را تعیین کرده است که میزان آن بستگی به قیمت مال ماخوذ و مرتبه مرتکب در آن سازمان دارد.

اداره حقوقی قوه قضاییه در یک نظریه مشورتی، تبدیل مجازات انفصال دائم را به عنوان تخفیف کیفر به جزای نقدی یا حبس مخالف روح قانون دانسته است.

سوال: آیا انفصال از خدمت، اعم از دائم یا موقت، مشمول عفو قرار میگیرد یا خیر؟ جواب: اداره حقوقی قوه قضاییه طی یک نظر مشورتی اظهار داشته است که چون عفو امری استثنایی است باید به متن فرمان و خصوصیات منعکس در آن توجه نمود و به قدر متیقن اکتفا کرد و اگر در آن از انفصال از خدمت نامی برده نشده باشد، نمیتوان آن را مشمول عفو دانست.

سوال: آیا جزای نقدی در مورد کسی که به عنوان رشوه چک دریافت کرده اما وجه آن را وصول ننموده نیز جاری است؟ جواب: این مساله اختلافی است لکن نظر نگارنده این است که با دریافت چک، جرم تام ارتشا تحقق می یابد لذا دلیلی برای محکوم نکردن گیرنده آن چک به جزای نقدی وجود ندارد. **البته** در صورت سفید امضا بودن چک میتوان گفت که پرداخت جزای نقدی منتفی خواهد بود.

نکته: در مورد چگونگی تعیین قیمت مال برای مشخص کردن جزای نقدی، قیمت زمان اخذ آن در بازار و نزد عرف مردم، ملاک خواهد بود.

نکته: در صورت شرکت در جرم، باید هر یک از شرکا را به پرداخت جزای نقدی مستقل معادل کل وجه یا مال ماخوذ، محکوم کرد (ماده ۱۲۵ ق.م.ا. ۹۲).

نکته: تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه موجب تعدد جرم نخواهد بود و در واقع یک عمل تلقی میشود.

در مورد ماده ۵۸۹ تعزیرات باید متذکر شد که برای شمول این ماده، باید تعیین مجازاتی اشد از مجازات مقرره انونی بواسطه دریافت رشوه انجام شده باشد و الا هرگاه قاضی به استناد کیفیات مشدده قانونی (همچون تکرار و تعدد جرم) مجازات را تشدید نماید، مشمول این ماده نخواهد بود.

در رابطه با مجازات نظامیانی که مرتکب این جرایم شده اند ماده ۱۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح پیش بینی شده است.

### موارد تشدید مجازات مرتشی:

علاوه بر مواردی که قانون، به دلیل سمت مرتکب ارتشا و یا میزان مال یا وجه ماخوذ، مجازات شدیدتری را برای مرتشی در نظر گرفته است، ماده ۴ قانون تشدید... نیز مجازات مشدده را برای کسانی که هر یک از جرایم ارتشا، اختلاس یا کلاهبرداری را به طور بانندی و گروهی انجام میدهند، پیش بینی کرده است.

نکته: اگر مثلاً شبکه برای ارتکاب جرم دیگری تشکیل شود و در خلال همان فعالیت ها نسبت به اخذ رشوه نیز اقدام نماید، ارتشاء بانندی رخ نداده است.

رای وحدت رویه شماره ۵۷۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱ در مورد دادگاه صالح برای ارتشاء بانندی بیان میدارد همچنان دادگاه های عمومی صالح هستند مگر اینکه دادگاه تشخیص دهد که تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری برای اخلال در نظام باشد که در این صورت دادگاه انقلاب صالح است.

### مجازات جرم رشا در حقوق ایران:

ماده ۵۹۲ تعزیرات و تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید... برای رشوه دهنده (راشی) ضبط مال، حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق پیش بینی کرده است.

هرگاه چک به عنوان رشوه داده شده باشد، باید حکم به ضبط مبلغ مندرج در چک، و نه صرفاً برگه چک، داده شود. ضمناً در صورتی که ۱. مرتشی، به دلیل عدم کفایت ادله، تبرئه ولی راشی به ارتکاب جرم اقرار کرده باشد و نیز ۲. در حالتی که عین مال متعلق به غیر، بدون اطلاع مالک آن، به عنوان رشوه داده باشد، موضوع ضبط مال الرشا منتفی است.

نکته: جرایم رشا و ارتشا باید در مرجع واحد مورد رسیدگی قرار گیرند و علی الاصول، با توجه به مهم تر بودن جرم ارتشا، صلاحیت مرجع رسیدگی تابع ارتشا خواهد بود.

### موارد تخفیف و معافیت از مجازات برای راشی:

مطابق تبصره ۵ ماده ۳ قانون تشدید... و تبصره ماده ۵۹۲ تعزیرات، الف. اگر راشی قبل از کشف جرم مأمورین را از وقوع بزه آگاه سازد، از تعزیر مالی (ضبط مال داده شده به عنوان رشوه) و حبس معاف میشود. ب. هرگاه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم کند، تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی برگردانده میشود.

بر اساس ماده ۵۹۱ و تبصره ماده ۵۹۲ تعزیرات، راشی در موارد زیر از تمام مجازاتها معاف میشود:

۱. برای حفظ حقوق حقه خود مجبور به دادن رشوه بوده باشد.

۲. مضطر باشد.

۳. در صورتی که راشی پرداخت رشوه را گزارش داده یا شکایت کند.

با وجود ماده ۱۵۲ ق.م.ا. ۹۲ نیازی به ذکر اضطرار در تبصره ماده ۵۹۲ وجود نداشت (ضمن اینکه اضطرار برای مرتشی هم رافع مسئولیت کیفری است).

اشکال: اولاً چرا برای مرتشی که گزارش دهد یا با مأمورین همکاری کند، تخفیف یا معافیت پیش بینی نشده است؟ ثانیاً تبصره تنها معافیت از مجازات حبس را در صورت مضطر بودن یا گزارش دادن یا شکایت کردن راشی پیش بینی کرده در حالیکه متن ماده قاضی را بین تعیین حبس یا شلاق مخیر کرده است. بنابراین این سوال پیش می آید که در سه حالت مذکور در تبصره، تکلیف مجازات شلاق چه میشود و آیا آن نیز قابل معافیت قرار میگیرد یا خیر؟

به نظر میرسد که راشی مضطر از تحمل هر نوع مجازاتی، اعم از حبس، جزای نقدی یا شلاق، معاف میباشد لکن در دو حالت دیگر مذکور در تبصره (گزارش دادن یا شکایت نمودن راشی) وی تنها از حبس و تعزیر مالی معاف شده ولی مجازات شلاق درباره وی قابل اعمال باقی خواهد ماند.

### موارد خاص رشا و ارتشا و جرایم مرتبط با آنها:

۱. رشا و ارتشا در مورد داوران، ممیزان و کارشناسان:

در ماده ۵۸۸ تعزیرات، برای برخی از افراد (داوران، ممیزان و کارشناسان) که لزوماً هم جزء کارکنان دولت نمیباشند و نیز برای کسانی که به این افراد مال یا وجهی را پرداخت کرده اند، به شرط آن که پرداخت مال یا وجه منتج به اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم به نفع مؤدی (راشی) شده باشد، مجازات تعیین شده است. بدین ترتیب، این جرم برخلاف ارتشا، یک جرم **مقید** است.

به نظر میرسد که انجام معامله با بهای غیر واقعی مذکور در ماده ۵۹۰ تعزیرات در مورد جرم موضوع ماده ۵۸۸ هم صادق باشد.

## ۲. تسهیل ارتشا:

ماده ۵۹۳ تعزیرات در مورد واسطه گری و ایجاد تسهیلات در وقوع ارتشا میباشد.

## ۳. ارتکاب ارتشا از سوی نظامیان:

ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲.

## ۴. ثروتهای ناشی از رشوه:

به موجب اصل ۴۹ ق.ا. «دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار و ... و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود.»

این رسیدگی در دادگاه انقلاب انجام میگردد.

## ۵. ارتشا در امر نظام وظیفه:

در برخی از موارد ممکن است رشوه گرفتن برای معاف ساختن مشمولین نظام وظیفه، عناوین مجرمانه دیگری نیز پیدا کند. از جمله این موارد ماده ۶۰ قانون خدمت نظام وظیفه عمومی اصلاحی ۱۳۶۸ و تبصره ۲ ماده ۷۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ میباشد.

## ۶. اخذ مال یا وجه از سوی پزشک برای دادن گواهی خلاف واقع:

ماده ۵۳۹ تعزیرات.

این ماده تنها شامل پزشکانی میشود که صلاحیت اشتغال به امر طبابت و نیز صلاحیت صادر کردن چنین گواهی نامه هایی را دارند ولی برای شمول ماده لزومی به مستخدم دولت بودن پزشک نیست.

## ۷. اخذ کمیسیون و پورسانت (درصدانه):

یکی از مواردی که به جرم ارتشا بسیار نزدیک میباشد، اخذ کمیسیون و به اصطلاح «پورسانت» در معاملات دولتی است.

در پورسانت، مال میتواند پس از انجام کار مورد درخواست و بدون وجود پیشنهادی از سوی کارمند و علیرغم فقدان یک توافق قبلی بین طرفین داده شود (این یکی از تفاوتهای پورسانت و ارتشا است).

در این رابطه ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی ۱۳۷۲ و ماده ۶۰۳ تعزیرات قابل ذکر است.

شبهه این جرم برای نظامیان در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ پیش بینی شده است.

لازم به ذکر است که جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی از جمله جرایمی است که در مورد آنها، طبق تبصره ماده ۳۶ ق.ا.م. ۹۲ و بند ج آن، در صورتی که میزان آن یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد، انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار ملی ضروری است.

(اخذ پورسانت(درصدانه) در معاملات خارجی مشمول ماده واحده مذکور و سایر موارد اخذ پورسانت مشمول ماده ۶۰۳ تعزیرات که مجازات خفیف تری دارد، میشود).

#### ۸. اعمال نفوذ بر خلاف حق:

گاه ممکن است افرادی در ازای اعمال نفوذ نزد مامورین دولتی یا کارکنان شهرداری یا ماموران به خدمات عمومی وجه نقد یا فایده ای از دیگران تحصیل نمایند یا تعهدی را از آنها بگیرند. این عمل در «قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» مصوب ۱۳۱۵ جرم انگاری شده است.

همچنین «قانون خدمت وظیفه عمومی ۱۳۶۸» اموری مثل اعمال نفوذ برای معاف کردن خود یا دیگری از خدمت وظیفه عمومی را جرم دانسته است.

در صورتی که اعمال نفوذ بر خلاف حق منتج به تحصیل یک میلیارد ریال مال یا بیشتر توسط مجرم یا دیگری شود، طبق تبصره ماده ۳۶ ق.ا.م. ۹۲ و بند پ آن، انتشار حکم محکومیت در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار ملی الزامی است.

صلوات

@voic\_law